

# تحلیلی بر ویژگی‌های مفهومی و بصری نشان‌های دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی

فرزانه فرخ‌فر\* ، نفیسه زمانی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۵ (صفحه ۱۷۹-۲۳۰)

**چکیده:** نشان‌های دیوانی، از جمله اسناد معتبر در شناخت حکومت‌ها شمرده می‌شوند که علاوه بر اطلاعات تاریخی، بازتابی از فرهنگ و هنر مردمان آن روزگارند. در میان برترین نمونه‌های موجود از تاریخ آسیای میانه و آسیای صغیر، می‌توان به الگوی تصویرشده در نشان‌های دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی در قرون دهم و یازدهم هجری اشاره کرد که به دست زبده‌ترین استادکاران و نخبگان هنری شکل گرفته و بیانگر توان هنری و بینش سیاسی - اجتماعی آن دوران است. از آنجا که دو حکومت صفوی و عثمانی اشتراکات فکری - فرهنگی و مرزهای سیاسی مشترک داشته و تقویم مشترکی را در حوادث تاریخی رقم زده‌اند، مطالعه تطبیقی نشان‌های حکومتی آنان در دو دسته کلی مَهرها و طغراها، به عنوان اسنادی معتبر، می‌تواند روزنه تازه‌ای در

\* استادیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه نیشابور (farrokhtar@neyshabur.ac.ir)

\*\* کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه نیشابور (N.z3668@gmail.com)

شناسایی فرهنگ و هنر دو منطقه بگشاید. پرسش این است که ویژگی‌های مضمونی و بصری نشان‌های دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی چه کیفیتی را نمایان می‌سازند؟

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که صفویان در مَهرها و طغراهای خود، نمادهای مذهبی را دخیل کرده و تنوعی از عناصر بصری را در آرایش نشان‌ها به کار بسته‌اند. برخلاف ایشان، عثمانیان، با حداقل توجه به اعتقادات مذهبی، نشان‌های دیوانی خود را با نمادهایی سیاسی، با قالبی ثابت و با کمترین تنوع عناصر بصری خلق کرده‌اند. این پژوهش به روش تاریخی تحلیلی و با رویکردی تطبیقی صورت گرفته و اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی گردآوری شده است.

**کلیدواژه‌ها:** دولت صفوی، دولت عثمانی، نشان‌های دیوانی، مَهر، طغرا.

## ۱ مقدمه

در میان اسناد تاریخی برجای مانده از اعصار مختلف، نشان‌های دیوانی معتبرترین مدارکی هستند که در شناخت فرهنگ و هنر دولت‌ها و نوع بینش سیاسی - مذهبی و زندگی اجتماعی مردمان آن روزگار اطلاعات ارزنده‌ای را هویدا می‌سازند. در قرون دهم و یازدهم هجری، بخش عمده‌ای از سرزمین‌های آسیای میانه و آناتولی، تحت حاکمیت دو قدرت بزرگ سیاسی آن دوران، صفویان در شرق و عثمانیان در غرب بود. این دو قدرت، به رغم اختلافات سیاسی - عقیدتی فراوان، از میراث فکری مشترکی برخوردار بودند که ریشه در تاریخ و فرهنگ آنان داشت. همین عامل سبب پیدایش تولیدات فرهنگی - هنری بسیاری شد که با وجود تفاوت‌های ظاهری، اشتراکات بسیاری نیز با هم داشتند. از جمله این آثار نشان‌های حکومتی دو دولت صفوی و عثمانی است، که رمزگان تصویری ممتازی را در شناخت هویت و فرهنگ هر دو دولت در اختیار می‌گذارند. در این پژوهش سعی شده، ضمن شناسایی و معرفی نشان‌های دیوانی صفویان و عثمانیان در قرون دهم و یازدهم هجری، ویژگی‌های مضمونی و تصویری این آثار تحلیل و بررسی شود.

پرسش اساسی این است که ویژگی‌های زیباشناختی نشان‌های دیوانی در دولت‌های صفوی و عثمانی چه وجوه اشتراک و افتراقی را نمایان می‌کند؟ به نظر می‌رسد، به دلیل مراودات سیاسی - اجتماعی و تعاملات هنری میان دو دولت صفوی و عثمانی،

اشتراکاتی میان نشان‌های حکومتی آنها، به خصوص از حیث کاربست عناصر بصری، وجود داشته باشد.

### ۱-۱ پیشینه تحقیق

پژوهش و بررسی نشان‌های دیوانی بازتاب وسیعی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و هنری دارد؛ به همین سبب، مهرها و طغراهای دیوانی توجه محققان بسیاری را به خود جلب کرده است. یکی از کتاب‌های غنی در این زمینه تاریخ مهر و هنر حکاک‌گری است که پژوهشگر به بررسی سیر تاریخی مهر در تاریخ ایران پرداخته و در کنار آن به مهرهای هند و عثمانی به عنوان دو دولت همسایه و در عین حال مرتبط در مسائل سیاسی و فرهنگی ایران، اشاره کرده است (جدی ۱۳۹۲). در این کتاب مطالعه‌ای اجمالی بر روی انواع طغراها انجام شده، اما قیاسی بین نشان‌های دیوانی این دو دولت صورت نگرفته است. مقاله «بررسی طغرا و مهرهای سلطنتی ایران» نیز به معرفی نشان‌های ایرانی در ادوار مختلف - از ایلخانی تا قاجار - بسنده کرده و منبع کاملی در پاسخ به پرسش تحقیق محسوب نمی‌شود (افشارمهاجر و کلهر ۱۳۹۱). پژوهش دیگر، مقاله‌ای است با عنوان «توقیع و طغرا و تطور آنها در تداول دیوانی» که به معرفی طغراهای ایرانی در عصر صفوی می‌پردازد (قائم‌مقامی ۱۳۴۹). پژوهشگران غربی و ترک نیز در این زمینه آثاری را خلق کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به کتاب نقاشی مینیاتور و نسخ خطی ترک (BINNEY 1973) اشاره کرد که بخشی از آن به طغراهای عصر سلیمان اول، بر اساس مجموعه فردی به نام «Pozi»، اختصاص یافته است. برخی منابع تاریخ هنر عثمانی نیز در بخش‌هایی به تنوع و کیفیت طغرای عثمانی در اعصار مختلف پرداخته‌اند (DERMAN 2000؛ Atil 1987)، اما هیچ‌کدام از این منابع رویکرد تطبیقی با نمونه‌های همتای این نشان‌ها در ایران عصر صفوی نداشته‌اند. یکی از منابع غربی مربوط به مجموعه مهرهای اسلامی موزه آکسفورد است که با هدف ثبت ریخت‌شناسی کتیبه مهرها و زمان استفاده و مواد آن انجام شده و تفسیری از نقوش و متن و تزئینات مهرها ارائه می‌نماید. گرچه این منبع برخی از مهرهای سرزمین‌های اسلامی را معرفی می‌کند اما پاسخگوی پرسش پژوهش حاضر نیست (Kalus 1986). یکی از مهم‌ترین

منابع کتاب *طغراهای پادشاهان عثمانی* است که مرجع مناسبی جهت شناسایی طغراهای عثمانی به‌شمار می‌آید (UMUR 1980). پژوهش‌های دیگری نیز موجود است که عمدتاً بر معرفی طغراهای عثمانی اشاره می‌کنند ولی هیچ‌کدام رویکرد تحلیلی - تطبیقی با نمونه‌های عصر صفوی ندارند (KAZEMIPOUREILABADI 2018; KÖSELER 2019; MENSİZ 2000). همان‌طور که ذکر شد، گرچه در زمینه نشان‌های دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی، تحقیقات چشمگیری انجام شده، اما دامنه این مطالعات تنها به یک دولت محدود شده و به‌طور مستقیم به تطبیق وجوه زیباشناختی نشان‌های دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی نپرداخته‌اند. از این رو، این پژوهش با رویکردی متمایز به یکی از مهم‌ترین مباحث تاریخ فرهنگ و هنر ایران و عثمانی وارد شده که علاوه بر بررسی کیفیت‌های نوشتاری، بصری و ساختاری، به مباحث فرهنگی و سیاسی آن دولت‌ها در شکل‌گیری نشان‌های دیوانی اشاره می‌کند.

## ۱-۲ روش تحقیق

این مقاله با هدفی بنیادین، به روش تحلیل تاریخی و با رویکردی تطبیقی صورت گرفته و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی گردآوری شده است. جامعه بررسی این پژوهش شامل مهرها و طغراهای دیوانی پادشاهان صفوی و سلاطین عثمانی است و محدوده زمانی آن بر قرون دهم و یازدهم هجری متمرکز است. ذکر این نکته لازم است که به دلیل گستردگی نشان‌های دیوانی، در این پژوهش، تنها نشان‌های دیوانی معتبر و منصوب به شخص شاه/سلطان در هر دوره حاکمیت بررسی شده است.

## ۲ تحولات سیاسی، اجتماعی و هنری دولت صفوی در قرون دهم و

### یازدهم هجری

سلسله صفویان که در اعصار تاریخی ایران، در جوه مختلف خوش درخشید، با شکست

آخرین سلطان آق‌قویونلو به دست اسماعیل، فرزند حیدر و از نوادگان شیخ صفی<sup>۱</sup>، آغاز شد (سیوری ۱۳۸۲: ۵۱). بدین ترتیب در سال ۹۰۶ ق اسماعیل صفوی در تبریز به تخت سلطنت نشست و به نام دوازده امام خطبه خواند و مذهب تشیع را به عنوان دین رسمی اعلام نمود (رومیر ۱۳۸۴: ۷). مرز مشترک ایران و عثمانی شرایط درگیری‌های مداوم را به علل مختلف فراهم آورد به طوری که در زمان شاه طهماسب اول، پس از برقراری صلح آماسیه<sup>۲</sup>، نظرات مذهبی علما و درگیری‌های نظامی با عثمانی‌ها فشارهای شدیدی بر شاه طهماسب وارد آورد تاحدی که پس از چندی، رویه‌ای پارساگرایانه در پیش گرفت و در نهایت انزوای کامل اختیار کرد. از دوران شاه اسماعیل دوم تا آغاز حکمرانی شاه عباس اول، دورانی آشفته بر ایران حاکم بود. این آشفتگی، زمینه دگرگونی‌های سیاسی، دینی، هنری و اجتماعی را آشکارتر کرد. با روی کار آمدن شاه عباس اول و انتقال پایتخت به اصفهان، در تمام زمینه‌ها تحولات چشمگیری رخ داد (صادقی ۱۳۹۲: ۶۲). در عصر شاه عباس اول، رفت و آمد خارجیان به دلیل امنیت بی‌سابقه و زمینه‌هایی که برای رونق تجارت خارجی وجود داشت، بیشتر شد و کم‌کم تأثیرات هنر اروپا و نفوذهای خارجی بر ایران آغاز شد. این دوره یکی از درخشان‌ترین بخش‌های تاریخ حکومت صفویه است که بعد از آن اندک‌اندک از تالگو آن کاسته شد و به تدریج در زمان حکمرانی شاه صفی دوم (شاه سلیمان)، به علت کاهلی و ناتوانی شاه در اداره امور مملکت، سلسله صفوی رو به انحطاط نهاد و به تبع آن رشد هنر نیز سیر نزولی در پیش گرفت. این انحطاط تا بدانجا پیش رفت که دوران شاه سلطان حسین، بستر ساز اصلی سقوط صفویه شد (زرین‌کوب ۱۳۹۳: ۵۴۲).

## ۱-۲ نشان‌های دیوانی شاهان صفوی

نشان در فرهنگ لغت دکتر معین به همراه (ه) متصل آمده است؛ «نشانه - نشان»، به معنای

۱. صفی‌الدین از مریدان طریقت زاهدیه در گیلان بود که بعد از مدتی شیخ زاهد او را به ریاست طریقت زاهدیه منسوب کرد. شیخ صفی با رسیدن به این مرتبه عرفانی، نام طریقت را از زاهدیه به صفویه تغییر داد (صادقی ۱۳۹۲: ۲۱).  
 ۲. قرارداد صلحی که سال ۹۶۲ ق در منطقه آماسیه، بین دو دولت صفویه و عثمانی، برای پایان دادن به نزاع‌ها صورت گرفت که تا زمان مرگ شاه اسماعیل دوم برقرار ماند (رومیر ۱۳۸۴: ۶۰).

«آنچه که سبب شناختن کسی یا چیزی شود، علامت» (معین ۱۳۸۹: ذیل واژه). در متون تاریخی و اسناد دیوانی گذشتگان، واژه «توقیع» به عنوان مترادفی برای کلمه «نشان» متداول بوده است. «توقیع در لغت به معنای نشان‌گذارن است و نوشتن عبارتی در پای نامه و کتاب را هم توقیع می‌گفته‌اند» (فائز مقامی ۱۳۴۹: ۲۴۳) و در تداول دیوانی «به امضاء و علامت و نقش مخصوصی که به وسیله پادشاهان و ملوک و بزرگان و یا منشیان آنها بر فرمان‌ها و مکاتیب رسمی و اسناد و قباله‌ها به نشان صحت و درستی مندرجات آنها گذاشته و نوشته می‌شد، توقیع می‌گفتند» (همان: ۲۴۵-۲۴۶). توقیع همگام با تاریخ، تحولی یافته است؛ در ابتدا به فرم نقش و نشان برای هر پادشاه بود و کم‌کم در دوره سلجوقی به شکل عبارات مذهبی درآمد و رفته‌رفته در عهد ایلخانی فرم عبارت‌گونه آن منسوخ و توقیع در شمایل یک نشان دوباره ظاهر شد. استعمال واژه توقیع تا عهد صفوی ادامه داشت و به همان معنای امضاء و صحه پادشاه بود و کم‌کم لفظ طغرا جایگزین آن شد (همان: ۲۴۹-۲۵۴). در کنار نشان طغرا باید از «مُهرها» نیز یاد کرد که قدمت استفاده از آن بیشتر از طغرا بوده و عمری اندازه عمر بشر دارد. در واقع، «پیش از اختراع خط، مهر در ایران، اولین ابزار تثبیت فردیت و مهم‌ترین رکن در شناخت اسناد بوده است و ایرانیان بیشترین سهم را در ایجاد و تکامل برگ هویت «مهر» و به عبارتی نشان و شناسنامه در جهان داشته‌اند» (جدی ۱۳۹۲: ۲۳۶). در عصر صفوی، به دنبال اعلام دولت شیعی، وجوه سیاست و حکومت - همچون سکه‌ها و نشان‌های دیوانی - مزین به نام ائمه معصوم گردید (رحیم‌لو ۱۳۹۳: ۷۳۵). از مشخصه‌های هنری در این دوره، حکاکی برای دعانویسی و همچنین استمداد از حضرت علی<sup>ع</sup> بر روی سکه‌ها است (نیومن ۱۳۹۳: ۶۰). در میان نشان‌های دیوانی دوره صفوی دو گروه مُهرها و طغراها حائز اهمیت‌اند.

### ۱-۱-۲ مهر

استفاده از مهر در تاریخ ایران، به دوره باستان می‌رسد که در طی تغییر نظام‌های اجتماعی و سیاسی، همگام با رشد هنر و صنعت جوامع مختلف، در جنس و فرم و نقش آنها تغییراتی پدیدار شده است. از آغاز ورود اسلام، مهرها به عنوان نمادهای اقتدار عمل کرده‌اند. در مهرهای

اسلامی، برخلاف مهرهای اروپایی که تصویر در درجهٔ اول اهمیت بود، کتیبه در مرکز قرار می‌گرفت. حضرت محمد<sup>ص</sup>، دارای یک حلقه مهر ساخته شده از نقره بود که با کلمات «محمد رسول الله» حک شده بود. این تمرکز بر نوشتن، به قداست کلام در دین اسلام اشاره می‌کند که مهرها را در تمام نقاط جهان اسلام با هم پیوند می‌دهد (Gallop & PORTER 2011: 3). از دیگر مشخصه‌های اکثر مهرهای اسلامی جنس و مواد آن است. مهرهای اسلامی عموماً از سنگ‌ها و گوهرهایی ساخته شده‌اند که ویژگی محافظت از تقوا را برای مسلمانان دارد (Kalus 1986).

از میان قدیمی‌ترین مهرهای موجود در ایران، نوعی از مهر یا لوحه برنزی مرتبط با آینه‌های جادویی وجود دارد که به نظر می‌رسد طی دورهٔ ایلخانی ایران ساخته شده باشد. مهر کوچک مربع شکل موجود در مجموعه دیوید کونپنهاگ (تصویر ۱) نکات قابل توجه فراوانی، نه تنها در زمینهٔ بررسی پیشرفت مه‌سازی دورهٔ ایلخانی بلکه حتی در مورد نحوهٔ ورود خطوط آسیای شرقی به مضامین تزئینی ایران، ارائه می‌کند. این لوحه مربع شکل که مربوط به مقبرهٔ شیخ ابواسحاق صوفی در کازرون استان فارس است، برای مهر زدن بر ضمانت‌نامه‌ها و سایر اسناد یا نسخ متعلق به مقبره استفاده می‌شده است. استفاده از خط کوفی بنایی، آن را از سایر مهرهای اسناد رسمی هم‌دوره که عمدتاً به صورت فرورفته حکاکی شده و دارای خطوط شکسته سیال است، متمایز می‌کند و نمونه‌ای نادر از مهرهای تجاری برجای مانده از ایران در قرون میانی است که برای پارچه‌های ابریشم و طراحی سکه کاربرد داشته است. این نوع کتابت منحصر به فرد را می‌توان تحت تأثیر مهرهای چینی مشهور به ژوان‌شو<sup>۱</sup> دانست که با حروف زاویه‌دار حکاکی می‌شده است (تصویر ۲). مهرهای چینی پیش از دورهٔ مغول در ایران، از طریق نقاشی‌های چینی که در آنها از مهر برای تأیید کارهای هنری استفاده می‌شد، یا از طریق مسکوکات نقره و برنز چینی که هم‌زمان با گسترش تجارت خارجی در دورهٔ سونگ به خارج از چین راه یافته بود، شناخته شده بودند. خط کوفی بنایی در تزئینات معماری بخش شرقی جهان اسلام بوده که نمونه‌های نخستین آن متعلق به قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی و از جمله پیشرفت‌های بومی ایرانیان به

حساب می‌آمده (Kadoi 2006: 90) که در مهرسازی هم نقش مهمی برعهده داشته است (تصویر ۳).



تصویر ۳- مهر غازان خان، قرن ۸  
(Reychman & Zajackowski, 1993: 182)



تصویر ۲- مهر برنزی دوره یوان، چین  
(ibid)



تصویر ۱- مهر عصر ایلخانی، قرن ۸  
(Kadoi, 2006: 90)

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم مهرهای دوره صفوی که «پیش از آن سابقه و رواج چندانی نداشت، درج تاریخ در آنهاست» (جدی ۱۳۹۲: ۱۹۹) این مشخصه مهم، امکان مطالعه درباره سلیقه و اعتقادات مردم آن روزگار و سیر تکاملی و سبک‌های هنری را به پژوهشگران می‌دهد. تعداد پنج مهر از عصر شاه اسماعیل اول شناسایی شده که در شکل‌های دایره‌ای تاج‌دار و بیضی تفکیک می‌شوند. متن برخی از آنها مشخص نیست. توفان گوندوز در پژوهشی بر روی یکی از نامه‌های شاه اسماعیل اول صفوی، متعلق به سال ۹۱۸ق/ ۱۵۱۲م، به تصویر مهری اشاره می‌کند که در زیر طغرای شاه قرار داشته و حاوی نام دوازده امام شیعیان بوده و گرایش‌های دینی شاه صفوی را نشان می‌دهد (Aydoğmuşoğlu 2013: 415; in Gündüz 2010: 123). این نکته در مهرهای ادوار بعد هم مشهود است. تعداد مهرهای شناخته شده از عصر شاه طهماسب اول، پانزده مورد است که اکثر آنها بیضی بوده و دو تا بادامی شکل و یک مورد مربع هم می‌باشد. در اکثر این مهرها، عدم خوانا بودن متن در بخشی از مهر موجب ناقص ماندن اطلاعات شده است، ولی آنچه بیشتر از همه خودنمایی می‌کند نام امامان معصوم در کنار نام شاه می‌باشد (خلقی ۱۳۸۹: ۹۸-۹۹). از دوران کوتاه حکومت شاه اسماعیل دوم، دو مهر شناخته شده که البته در صحت مالکیت یکی از آنها به نام اسماعیل دوم شبهاتی وجود دارد و دیگری متن آن ناخوانا است. تنها یک مهر از عصر محمد خدابنده شناسایی شده که گرد و تاج‌دار و حاشیه آن ناخوانا



می‌باشد. شاه عباس اول «۱۴ مهر داشت که تنها تصویر ۳ مهر و اطلاعات شفاهی از ۶ مهر او به دست آمده است» (همان: ۱۰۱). از بین سه مهر دارای تصویر، دو مهر با ذکر عنوان متن در جدول ۱ آورده شده و مهر سوم، به دلیل واضح نبودن تصویر، در جدول نیامده است؛ اما متن آن در تاج: «حسی‌الله» و در وسط «بنده شاه ولایت عباس» و در حاشیه «جانب هر با علی نه نکوست، هر که گو باش من ندارم دوست / هر که چون خاک نیست بر در او، گر فرشته است خاک بر سر او» است. از عصرشاه صفی اول نیز سه مهر شناسایی شده که در مهر مدور تاج‌دار «حسی‌الله» و عبارت «هست از جان غلام شاه صفی» و «جانب هر که با علی نه نکوست...» حک شده و در مهر مستطیل نیز «شاه ولایت بنده صفی ۱۰۳۸» و در دیگری عبارات «هست از جان غلام شاه صفی ۱۰۳۸» و «صلوات دوازده امام<sup>ع</sup>» نقش بسته است. تعداد هشت مهر از شاه عباس دوم موجود است که عبارت «بنده شاه ولایت عباس ثانی» در اکثر آنها خودنمایی می‌کند. از دوران شاه صفی دوم نیز هفده مهر باقی مانده که دارای اشکال متنوعی از محراب، گرد و گرد تاج‌دار دارند و متن برخی از مهرها نامشخص است. از عصر سلطان حسین، چهارده مهر با متن‌های متنوع وجود دارد که بیشترین فرم مربع تاج‌دار و دایره تاج‌دار می‌باشد (همان: ۱۰۰-۱۱۰) (← جدول ۱).






## ۲-۱-۲ طغرا

دهخدا طغرا را «صورتی مرکب از چند خط عمودی منتهی به قوس‌گونه‌ای تو در تو و متوازی، محتوی نام و لقب سلطان یا امیری، و آن را بر سر احکام و فرمان‌ها می‌نگاشتند»، توصیف کرده است (دهخدا ۱۳۷۷: ذیل واژه). طغرا، نشان و علامتی است مرکب از نام شاه و القاب وی که از قرن هفتم هجری در ایران مرسوم بود (خلقی ۱۳۸۹: ۱۲۶). البته لفظ طغرا از زمان خوارزمشاهیان در متون مربوط به آن دوره مشاهده می‌شود اما نمونه عینی از این علامت در دست نیست (فائز مقامی ۱۳۴۹: ۲۵۷).

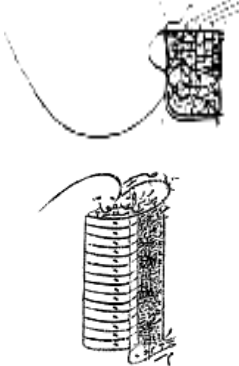

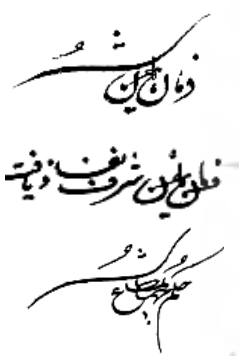

قدیمی‌ترین نمونه به دست آمده از طغرا مربوط به جهان‌شاه قراقویونلو (۸۴۱-۸۷۲ق) است که شکلی ساده دارد. از مشاهده طغراها چنین برمی‌آید که بعد از جهان‌شاه، طغراکشی سیر تحولی خود را طی می‌کند (همان: ۲۵۸).

از عصر اسماعیل اول تنها یک طغرا شناخته شده که گویی الهام گرفته از طغراهای قراقویونلوها است. از این دوره به بعد، شکل طغراها و عبارات آن در آثار دوره‌های پادشاهی دیگر تغییر کرده است. اولین دوره مربوط به عصر شاه طهماسب اول است. از آن دوره، یک نمونه طغرا به دست آمده که متبرک به اسامی الله، محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین است (افشار مهاجر ۱۳۹۱: ۵۵). متأسفانه از دوره شاه اسماعیل دوم، سلطان محمد خدابنده و شاه عباس اول هیچ طغرای که قطعاً به این پادشاهان منسوب باشد، شناسایی نشد. شاه صفی اول دارای یک طغرای شطرنجی مزین به نام دوازده امام بوده که در شبکه‌ای شطرنجی شکل طراحی شده و بیانگر گرایشات شیعی پادشاه است. مشابه این طغرا از دوران شاه عباس دوم نیز یک طغرای شطرنجی ثبت شده است. از دوران شاه صفی دوم دو طغرا و از عصر شاه سلطان حسین سه طغرا با متنی واضح موجود است (همان: ۵۴، ۵۶) (جدول ۱).

جدول ۱- نشان‌های دیوانی پادشاهان دولت صفوی

طغرا	مهر	
 نشان ۲	 نشان ۱	شاه اسماعیل اول ۹۰۷-۹۳۰ ق
 نشان ۴	 نشان ۳	شاه طهماسب اول ۹۴۰-۹۸۴ ق
فاقد منابع و اسناد موثق	 نشان ۵	سلطان محمد خدابنده ۹۹۶-۹۸۵ ق

<p>فاقد منابع و اسناد موثق</p>	 <p>نشان ۶</p>	<p>شاه عباس اول ۹۹۶-۱۰۳۸ ق</p>
 <p>نشان ۸</p>	 <p>نشان ۷</p>	<p>شاه صفی اول ۱۰۳۸- ۱۰۵۲ ق</p>
 <p>نشان ۱۰</p>	 <p>نشان ۹</p>	<p>شاه عباس دوم ۱۰۵۲- ۱۰۷۸ ق</p>

 <p>نشان ۱۲</p>	 <p>نشان ۱۱</p>	<p>شاه سلیمان (صفی دوم) ۱۰۷۷-۱۰۵۱ ق</p>
 <p>نشان ۱۴</p>	 <p>نشان ۱۳</p>	<p>شاه سلطان حسین ۱۱۰۶-۱۱۳۵ ق</p>

نگارندگان

### ۳ تحولات سیاسی، اجتماعی و هنری دولت عثمانی در قرون دهم و یازدهم هجری

اصل و نسب ترکان عثمانی به غزهای ترک و قبیله قایی می‌رسد که به رهبری ارطغرل به آسیای صغیر (آناتولی) وارد شدند. سرزمین آسیای صغیر با دولت بیزانس مرزهای سیاسی مشترک داشت اما آشنایی با فرهنگ اروپا در زمان سلطان محمد دوم (محمد فاتح) اتفاق افتاد. محمد فاتح، امپراتوری روم را در سال ۸۵۷ ق شکست داد و قسطنطنیه را فتح کرد و

این شهر را استانبول نامید (اوزون چارشی لی ۱۳۶۹: ۱۵۰ و ۱۵۱). بعد از محمد دوم، به ترتیب سلطان بایزید دوم و سلیم اول بر تخت حکومت نشستند که هم‌زمان با آغاز حکمرانی صفویان بود. سلیم اول با یورش سازمان یافته به ایران و با استفاده از کثرت نیرو و توپخانه، شاه اسماعیل صفوی را در جنگ چالدران شکست داد. مقصود اصلی سلطان سلیم از این نبرد، از میان برداشتن دولت شیعی مذهب صفویه بود. او در نظر داشت تا به آسیای میانه پیشروی نماید و سنی مذهب آن نواحی را تحت نفوذ خود بگیرد (پورگشتال ۱۳۶۷: ۱/ ۷۷۸-۷۸۱). سلطان سلیمان اول مشهور به سلیمان قانونی، مشهورترین سلطان عثمانی است. در دوره حکمرانی او که نیم قرن دوام داشت، دولت عثمانی از نظر فتوحات، سیاست، علم، عرفان و هنر درخشان‌ترین دوران خود را سپری کرد و طغرانیسان و خوشنویسان بسیاری در کارگاه‌های دربار توپقاپی مشغول به کار شدند. سلیم دوم نیز با درایت حکمرانی کرد اما بعد از وی - با به حکومت رسیدن مراد سوم، محمد سوم، احمد اول، سلطان مصطفی و عثمان دوم - شکوه و عظمت دولت عثمانی رو به زوال نهاد. شرایط موجود مانع از به روز شدن سیستم نظامی شد که به دنبال آن شکست در برابر کشورهای با تشکیلات نظامی پیشرفته‌تر رخ داد. طولانی شدن جنگ‌ها و دست کشیدن روستاییان از کار در زمین و افزایش غارتگری راهزنان رکود اقتصادی را فراهم آورد و در نهایت قدرت امپراتوری عثمانی رو به تنزل نهاد (اوزون چارشی لی ۱۳۷۰: ۱۶۱). در میان هنرهای عصر عثمانی، خوشنویسی و طغرانیسی بسیار مورد توجه بود و کاتبان عثمانی افزون بر تکامل بخشیدن به خط ثلث، خط دیوانی را پدید آوردند و به اوج رساندند. در زمان سلاطینی چون محمد دوم، برای حمایت از هنر کتاب‌آرایی، سبک‌های متفاوت خوشنویسی در منطقه الگوبرداری شد و از آن میان، خوشنویسی ایرانی نیز مورد توجه عثمانیان قرار گرفت (فدایی ۱۳۹۱: ۶۷).

### ۳-۱ نشان‌های دیوانی سلاطین عثمانی در قرون دهم و یازدهم هجری

#### ۳-۱-۱ مَهر

از آنجا که مهرها برای نشان دادن مالکیت و صحت مکاتبات و اسناد کاربرد داشتند، در اغلب

دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند و نوعی زبان تصویری مشترک به شمار می‌رفتند. در دولت عثمانی نیز مهر و تراش مهر، جایگاه ویژه داشت به طوری که مهرکنان در عثمانی به چند بخش تقسیم می‌شدند: «بخشی از حکاکان به کار حکاکی سنگ‌های فیروزه، عقیق، یشم و سیلان اهتمام داشته‌اند... گروه دیگر مُهرکنان، سیم‌هیکل نامیده می‌شدند که به کار حکاکی بر روی فلزاتی چون نقره و بُرُنز مبادرت می‌ورزیدند» (جدی ۱۳۹۲: ۵۶۷-۵۷۳). مهرهای عثمانی برحسب مرتبه و جایگاه صاحب آن، در محلی خاص از فرمان ثبت می‌گردید. محل قرارگیری مهرها و طغراهای سلاطین عثمانی در بالای فرمان جای داشت، در حالی که محل ثبت مهرهایی که منسوب به نام بزرگان درباری و وزرای عثمانی بود و «پنجه»<sup>۱</sup> نامیده می‌شد، در لبه کاغذ بود (ŞAHİN 2013: 28). مهرهای سلاطین عثمانی عموماً به شکل حلقه بود که در صورت عدم استفاده، در داخل کیسه‌ای ابریشمی قرار می‌گرفت و از گردن آویزان می‌شد. مهر و موم فرمان‌ها را نیز معمولاً وزیر اعظم انجام می‌داد (KAZEMİPOUR LEILABADI 2018: 71). در این پژوهش، مهرهای بسیاری منسوب به سلاطین و امرای عثمانی معاصر با دولت صفوی (قرون دهم و یازدهم هجری) شناسایی شده که در اصالت برخی از آنها جای شک و گمان است؛ به همین روی در این نوشتار فقط نمونه مهرهای دیوانی معتبر منسوب به شخص سلطان معرفی و بررسی می‌شوند (→ جدول ۲).

## ۲-۱-۳ طغرا

در دیوان لغت ترک، طغرا به معانی مختلف فرمان، برات، منشور و نوعی نشان بر روی سکه پادشاهان معرفی شده است (PAKALIN 1993, vol.3: 525). در جای دیگر آمده است که واژه «طغرا»<sup>۲</sup> ریشه در زبان اوغوز داشته و نشان حکاکی شده حکمرانان عثمانی بوده است. طغرانیسی از طریق سلجوقیان بزرگ به دیگر سرزمین‌ها از جمله مملوکیان در مصر و سلاجقه روم در آناتولی راه یافت و سپس وارد دربار عثمانی شد و به طور هم‌زمان با ایران، تحول و توسعه یافت (MENSİZ 2000). طغرانیسی عثمانی که ابتدا به شکل ساده ترسیم

1. Pence

2. Tuğrağ

می‌شد، در زمان اورخان قاضی به دست مصطفی راقم قالب اصلی ترکی خود را گرفت (تصویر ۴). اسناد رسمی دولت عثمانی همواره با طغرای سلاطین همراه بوده‌اند. این امر از زمان تأسیس تا سقوط دولت عثمانی در مکان‌های مختلف مورد استفاده بود و به تدریج به عنوان شاخه‌ای از هنر خوشنویسی توسعه یافت (UMUR 1980: 11). طغرای عثمانی عموماً نام سلاطین و پدران آنها و عبارت «دائماً مظفر»<sup>۱</sup> را به همراه داشتند. در دولت عثمانی به کسانی که طغرا می‌کشیدند نام‌هایی مانند نشانچی<sup>۲</sup>، توقیعی<sup>۳</sup>، طغرانویس<sup>۴</sup> و طغرای<sup>۵</sup> داده می‌شد. طغرای که در آغاز هر دورهٔ سلطنت، به سلطان نشان داده و انتخاب می‌شد، تا پایان سلطنت او دیگر تغییر نمی‌کرد و پس از انتخاب طغرا، مهر و موم‌هایی به شکل آن حک می‌گردید. در دولت عثمانی، در صورت لزوم، به وزیران استان‌های حاشیه مرز اجازه داده می‌شد تا بسته به مسافت و دلایل سیاسی، در موارد خاص از طغرای سلاطین استفاده کنند. اختیارات این والیان استانی که به نام وزیر طغراکش<sup>۶</sup> شهرت داشتند تا زمان وزیر اعظم مصطفی پاشا<sup>۷</sup> ادامه داشت (UZUNÇARSILI 1941: 108; in MENSİZ 2000).



تصویر ۴- نخستین طغرای سلاطین عثمانی، عصر اورخان قاضی (KÖSELER 2019: 21)

طغرانونویسی در زمان مراد سوم با دو واژهٔ «نشان»<sup>۸</sup> و «منشور»<sup>۹</sup> معرفی می‌شده (ŞAHİN 2013: 23) و تا بدان حد اهمیت داشته که تصویر طغرای سلاطین عثمانی در برخی سکه‌های آن سرزمین، از زمان سلطان بایزید اول به بعد، نقش می‌گردیده است (ANONİM 1999: 7; in AKKAYA 2011: 19). ادامه طغرای منسوب به سلاطین عثمانی در حدفاصل قرون دهم و یازدهم هجری معرفی می‌شوند (← جدول ۲).

۱. پیروز همیشگی

2. Nisancı

3. Tevkiî

4. Tuğranüvîs

5. Tuğrâî





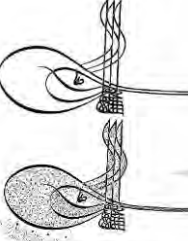






6. Tuğrakes

7. Kemankeş Kara

8. Nişân

۹. Menşûr؛ به معنی فرمان شاهی (دهخدا ۱۳۷۷: ذیل واژه)

جدول ۲- نشان‌های دیوانی سلاطین دولت عثمانی در قرون دهم و یازدهم هجری

طغرا	مهر	
 نشان ۲	 نشان ۱	سلطان بایزید دوم ۸۸۶-۹۱۸ ق
 نشان ۴	 نشان ۳	سلطان سلیم اول ۹۱۸-۹۲۶ ق
 نشان ۶	 نشان ۵	سلطان سلیمان اول ۹۲۶-۹۷۴ ق
 نشان ۸	 نشان ۷	سلطان سلیم دوم ۹۷۴-۹۸۲ ق
 نشان ۱۰	 نشان ۹	سلطان مراد سوم ۹۸۲-۱۰۰۳ ق
 نشان ۱۱	فاقد منابع و اسناد موثق	سلطان محمد سوم ۱۰۰۳-۱۰۱۲ ق



 نشان ۱۳	 نشان ۱۲	سلطان احمد اول ۱۰۱۲-۱۰۲۶ق
 نشان ۱۴	فاقد منابع و اسناد موثق	سلطان مصطفی اول ۱۰۲۶-۱۰۲۷ق و ۱۰۳۱-۱۰۳۲ق
 نشان ۱۶	 نشان ۱۵	سلطان عثمان دوم ۱۰۲۷-۱۰۳۱ق
 نشان ۱۷	فاقد منابع و اسناد موثق	سلطان مراد چهارم ۱۰۳۲-۱۰۴۹ق
 نشان ۱۸	فاقد منابع و اسناد موثق	سلطان ابراهیم ۱۰۴۹-۱۰۵۸ق
 نشان ۱۹	فاقد منابع و اسناد موثق	سلطان محمد چهارم ۱۰۵۸-۱۰۹۷ق
 نشان ۲۰	فاقد منابع و اسناد موثق	سلیمان دوم ۱۰۹۷-۱۱۰۱ق

#### ۴ تحلیل ویژگی‌های کیفی نشان‌های دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی

در این بخش با هدف شناسایی وجوه اشتراک و افتراق نشان‌های دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی، نمونه‌ها، با توجه به مقارن بودن تاریخ حکمرانی هر پادشاه/سلطان، از هر دو دولت بررسی شده‌اند. آنچه در تحلیل ویژگی‌های کیفی نشان‌های دولت‌های صفوی و عثمانی مدنظر است تبیین ویژگی‌های مضمونی و بصری نشان‌های دیوانی در دو دسته کلی مهرها و طغراها است که در بخش تحلیل بصری، آثار هر دوره برحسب:

الف) فرم و ساختار (شکل کلی نشان و محل قرارگیری آن)،

ب) نگاره (عناصر و نقوش تزئینی داخل نشان)،

ج) خط نگاره (خوشنویسی و قلم به کار رفته در طراحی متن داخل نشان) ارزیابی می‌گردد.

#### ۴-۱ تحلیل ویژگی‌های مضمونی

##### ۴-۱-۱ نشان‌های صفوی

**مهرها:** شاهان صفوی برای هر امری، مهر مخصوصی را استفاده می‌کردند و به این ترتیب هر مهری، سجعی خاص خود را داشت که از مطالعه آن می‌توان کاربرد مهر را حدس زد. با توجه به جدول شماره ۱، سجع مهرها به ترتیب سال حکمرانی پادشاهان صفوی از این قرار است:

- **مهرهای شاه اسماعیل اول:** مهر با یک خط افقی به دو قسمت تقسیم شده است. در بالای خط «مهرعلی چون جان مرا در بر بود مهرعلی و آل او» و در پایین خط «غلام شاه مردانست اسمعیل بن حیدر» (جدول ۱- نشان ۱، سمت راست) و «اللهم صل... محمد مهدی العبد اسماعیل بن حیدر ۹۱۴» (جدول ۱- نشان ۱، سمت چپ).

- **مهرهای شاه طهماسب اول:** روی تاج مهر «الله محمد علی»، در مرکز «بنده شاه ولایت طهماسب»، پیرامون مهر «گر کند بدرقه لطف تو همراهی ما...» (جدول ۱- نشان ۳، سمت راست) و «المتوکل علی الله الملك الغنی العبد طهماسب الحسینی الصفوی ۱۰۶۵» (جدول ۱- نشان ۳، سمت چپ).

- **مهر سلطان محمد خدابنده:** روی تاج «الله محمد علی»، در مرکز «غلام شاه ولایت سلطان محمد بن طهماسب» و در پیرامون «علی مولا امیرالمومنینم زجان و دل غلام کمترینم» (جدول ۱- نشان ۵).

- **مهر شاه عباس کبیر:** در نیمه بالای مهر «بنده شاه ولایت عباس» و در نیمه پایین مهر «مهر مسوده دیوان اعلی» (جدول ۱- نشان ۶، سمت راست)، در مرکز «بنده شاه ولایت عباس ۹۹۹» و در پیرامون «صلوات دوازده امام<sup>ع</sup>» (جدول ۱- نشان ۶، سمت چپ).

- **مهر شاه صفی اول:** روی تاج «حسبی‌الله»، در مرکز «هست از جان غلام شاه صفی ۱۰۳۸» و پیرامون «جانب هر که با علی نه نکوست...» (جدول ۱- نشان ۷، سمت راست بالا)، در مرکز «هست از جان غلام شاه صفی ۱۰۳۸»، پیرامون «صلوات دوازده امام<sup>ع</sup>» (جدول ۱- نشان ۷، سمت چپ بالا) و مهر چهارگوش «شاه ولایت بنده صفی ۱۰۳۸» (جدول ۱- نشان ۷، پایین).

- **مهر شاه عباس دوم:** در بالای مهر «بنده شاه ولایت عباس ثانی» و در نیمه پایینی «مهر مسوده دیوان اعلی» (جدول ۱- نشان ۹، سمت راست بالا)، «بنده شاه ولایت عباس ۱۰۵۲» (جدول ۱- نشان ۹، سمت چپ بالا)، روی تاج «حسبی‌الله»، در مرکز «بنده شاه ولایت عباس ثانی ۱۰۵۹»، پیرامون «جانب هر که با علی نه نکوست...» (جدول ۱- نشان ۹، سمت چپ پایین)، در مرکز «بنده شاه ولایت عباس ثانی ۱۰۵۹» و عبارت پیرامون مهر ناخواناست (جدول ۱- نشان ۹، سمت راست پایین).

- **مهر شاه سلیمان:** روی تاج «بسم‌الله»، در متن «بنده شاه ولایت سلیمان ۱۰۷۷ق» (جدول ۱- نشان ۱۱، سمت راست بالا)؛ در مهر دیگر، به شکل اشک، عبارت «بنده شاه دین سلیمان است ۱۰۷۷ق» به گونه‌ای حک شده که واژه «شاه» بالای کلمه «بنده» قرار گرفته و نام «سلیمان» از اواسط مهر آغاز می‌شود (جدول ۱- نشان ۱۱، سمت چپ بالا)؛ روی تاج «حسبی‌الله»، در مرکز «بنده شاه دین سلیمان است ۱۰۷۸ق»، در پیرامون «جانب هر که با علی نه... هر که چون خاک نیست بر در او / گر فرشته است خاک بر سر او» (جدول ۱- نشان ۱۱، سمت راست پایین)؛ روی تاج «حسبی‌الله»، در مرکز «نگین سلطان جهان ملک سلیمان» و در پیرامون «صلوات دوازده امام<sup>ع</sup>» (جدول ۱- نشان ۱۱، سمت چپ پایین).

- **مهر شاه سلطان حسین:** در نیمه بالای مهر عبارت «بنده فرمانبر مولی» و در نیمه پایین آن «حق سلطان حسین ۱۱۰۶» (جدول ۱- نشان ۱۳، سمت راست بالا)، در مرکز «بنده شاه ولایت حسین ۱۱۱۲»، پیرامون «صلوات دوازده امام<sup>ع</sup>» (جدول ۱- نشان ۱۳، سمت چپ بالا)؛ در تاج «اعلی»، در مرکز «وارث ملک سلیمان جهان سلطان حسین» و در پیرامون «مهر مسوده دیوان» (جدول ۱- نشان ۱۳، پایین).

از انواع مهرهای صفوی می‌توان به مهرهای زیر اشاره نمود:

- مهر جلوس، این مهر در زمان به تخت نشستن شاه جدید ساخته و پرداخته می‌شده است (سیدرضوی ۱۳۸۹: ۱۳۵).

- مهر خلعت، که در حاشیه متبرک به نام دوازده امام<sup>ع</sup> است (جدی ۱۳۹۲: ۲۰۳).

- مهر مسوده، که مهر دیوان اعلی است و «برای تأیید بر رونوشت‌ها به کار می‌رفت. بر احکام، عنوان نوشته‌هایی که دارای طغرای "حکم جهان مطاع شد" بود، شرطنامه‌چ و ارقام موجب و رقم تیول زده می‌شد» (اسماعیلی ۱۳۸۵: ۱۲۰).

- مهر نشان، نقش روی آن به شکل طغرای دوازده خانه‌ای و متبرک به نام دوازده امام معصوم است. در حاشیه آن نیز آمده: «گر کند بدرقه لطف تو همراهی ما چرخ بر دوش کشد غاشیه شاهی ما» (سیدرضوی ۱۳۸۹: ۱۳۵).

**طغراها:** طغراها نیز به عنوان یکی از نشان‌های حکومتی، همچون مهرها، دارای عباراتی بوده است که در هر دوره حکومتی دارای خصوصیات ظاهری خاص خود بوده است.

- **طغرای شاه اسماعیل اول:** با متن «ابوالمظفر اسمعیل سیوز و مز» (جدول ۱- نشان ۲)، عبارت «سیوز و مز» به معنای «کلام من و سخنان من» (قائم‌مقامی ۱۳۴۹: ۲۶۱-۲۶۳).

- **طغرای شاه طهماسب:** عبارت بالا «سیوز و مز» و عبارت پایین «ابوالمظفر طهماسب» در سمت چپ «نام پنج تن» که با کشیدگی حروف آنها، خانه‌های شطرنجی شکل گرفته است (جدول ۱- نشان ۴).

- **طغرای شاه صفی اول:** متن «الحکم لله للمؤید من عندالله، ابوالمظفر صفی شاه الصفوی الموسی الحسینی سیوز و مز» و بخش شطرنجی «علی، حسن حسین، علی محمد، جعفر موسی، علی حسن، محمد»، احتمالاً نام «دوازده امام» در این خانه‌ها حک شده اما به دلیل مرور زمان وضوح تصویری باقی اسامی از بین رفته است (جدول ۱- نشان ۸).

- **طغرای شاه عباس دوم:** متن ناخواناست اما بخش شطرنجی مزین به نام «دوازده امام<sup>ع</sup>» می‌باشد (جدول ۱- نشان ۱۰).

- **طغرای شاه سلیمان:** در هر دو طغرای بدست آمده عبارت اصلی نامشخص است اما بی‌شک نام «صفی» در آن وجود دارد و قسمت شطرنجی نیز گرچه به دلیل کشیدگی حروف فرم اصلی واژگان آن از بین رفته اما با توجه به طغراه‌های پادشاهان پیشین نام «دوازده امام» در آن ذکر شده است (جدول ۱- نشان ۱۲).

- **طغرای شاه سلطان حسین:** در طغراه‌های بدست آمده، حروف طوری تحریر شده که خواندن آنها آسان است و عبارات «فرمان همایون شد»، «فرمان همایون شرف نفاذ یافت»، «حکم جهان مطاع شد» مشهود است (جدول ۱- نشان ۱۴). ظاهراً عبارت مذکور از زمان شاه طهماسب اول مرسوم می‌شود که «بر فرمان‌های پادشاهان به جای ذکر نام و القاب آنها، طغراهایی با مضمون "حکم جهان مطاع شد"، "فرمان همایون" و "فرمان همایون شرف نفاذ یافت" کشیده می‌شد» (قائم‌مقامی ۱۳۴۹: ۲۶۷). اما از زمان خود شاه طهماسب اول طغرای با این مضامین یافت نشد.

## ۲-۱-۴ نشان‌های عثمانی

**مهرها:** مضمون مهرهای این دولت به ترتیب حکمرانی سلاطین عبارت است از:

- **مهر سلطان بایزید دوم:** «بایزید بن محمد خان مظفر دائماً» (جدول ۲- نشان ۱).

- **مهر سلطان سلیم اول:** «سلیم بن بایزید خان مظفر دائماً» (جدول ۲- نشان ۳ سمت چپ) مهر سمت راست ناخوانا است.

- **مهر سلطان سلیمان اول:** هر دو مهر «سلیمان بن سلیم شاه خان المظفر دائماً» را دربردارد (جدول ۲- نشان ۵).

- **مهر سلطان سلیم دوم:** «سلیم شاه بن سلیمان شاه خان المظفر دائماً» (جدول ۲- نشان ۷).

- **مهر سلطان مراد سوم:** «ناخوانا است» (جدول ۲- نشان ۹).

- **مهر سلطان احمد اول:** هر دو مهر «احمد بن محمد خان المظفر دائماً» (جدول ۲- نشان ۱۲). تشابه این مهرها ممکن است بیانگر آن باشد که مهر اول سلطان مفقود یا شکسته شده و دوباره ساخته شده است زیرا در آن دیار حکاکان دفتری داشتند که نمونه اثر مهرهای ساخته شده را در آن ثبت می‌کردند تا در هنگام مفقود شدن یا آسیب دیدن مهر اصلی، از آن برای ساختن مهر جدید استفاده کنند (جدی ۱۳۹۲: ۵۷۳).

- **مهر سلطان عثمان دوم:** در پایین مهر به فرم طغرا عبارت «عثمان خان بن احمد المظفر دائماً» در بالای مهر عبارت «الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدینا الله» نقش بسته شده است (جدول ۲- نشان ۱۵).

**طغراه:** طغرانویسی در همه ادوار تاریخی دولت عثمانی رواج داشته و هر کدام از سلاطین، طغرای منسوب به خود داشته است. این طغراها عبارتند از:

- **طغرای سلطان بایزید دوم:** طغرای به دست آمده از این سلطان یک مورد با عبارت «بایزید بن محمد حان مظفر دائماً» با مفهوم پیروزی همیشگی سلطان بایزید است (جدول ۲-۲- نشان ۲).

- **طغرای سلطان سلیم اول:** همچون سلاطین پیشین با نام خود و پدرش آغاز و به عبارت «المظفر دائماً» ختم می‌گردد (جدول ۲- نشان ۴).

- **طغرای سلطان سلیمان اول:** با عبارت «سلیمان بن سلیم شاه حان المظفر دائماً» همراه بوده که آوردن واژه «شاه» بعد از نام پدر سلطان سلیمان، نشانی از ارادت سلیمان به حکمرانی پدرش، سلیم می‌تواند باشد (جدول ۲- نشان ۶).

- **طغرای سلطان سلیم دوم:** عبارت «سلیم شاه بن سلیمان شاه حان المظفر دائماً» را در بر دارد که در آن همچون طغرای سلطان پیشین واژه «شاه» بعد از نام پدر سلطان قرار گرفته و همچنین کلمه «شاه» بعد از نام سلطان سلیم نیز به چشم می‌خورد (جدول ۲- نشان ۸).

- **طغرای سلطان مراد سوم:** این عبارت را به لحاظ پیچیدگی حروف، نمی‌توان به طور دقیق تمام خواند ولی به طور حتم، نام سلطان در کنار نام پدر آمده و همچنین به عبارت «المظفر دائماً» ختم می‌گردد (جدول ۲- نشان ۱۰).

- **طغرای سلطان محمد سوم:** این طغرا نیز در نوشتار پیچیدگی دارد که مانع از خوانش دقیق آن می‌گردد (جدول ۲- نشان ۱۱).

- **طغرای سلطان احمد اول:** نوشتار این طغرا نیز پیچیده است اما چنان که در منابع آمده عبارت طغرا در برگیرنده این جمله است: «احمد بن محمد حان المظفر دائماً» (جدول ۲- نشان ۱۳).

- **طغرای سلطان مصطفی اول:** ناخوانا می‌باشد (جدول ۲- نشان ۱۴).

- **طغرای سلطان عثمان دوم:** دارای پیچیدگی نوشتاری است اما عبارت «عثمان بن احمد حان المظفر دائماً» را می‌توان با سختی مشاهده نمود (جدول ۲- نشان ۱۶).

- **طغراهای سلطان مراد چهارم، ابراهیم اول، محمد چهارم و سلیمان دوم:** ترکیب واژگان در ساختار نوشتار را پیچیده کرده و عبارت را نمی‌توان به سهولت خواند (جدول ۲- نشان‌های ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰).

## ۴-۲ تحلیل ویژگی‌های بصری

### ۴-۲-۱ نشان‌های صفوی

**الف) فرم و ساختار: مهرها:** شکل مهرهای دوره صفوی به صورت دایره، مربع، بادامی، بیضی و هشت ضلعی بوده که گاهی با فرم تاج ترکیب شده که به نام محرابی و گلابی مشهور است (افشارمهاجر و کلهر ۱۳۹۱: ۵۳). در اسناد مختلف، نام‌های خاصی که به لحاظ فرم ترکیبی مهر بوده، برای آن در نظر گرفته می‌شده است؛ همچون فرم بادامی که گاه با نام فرم قطره‌ای نیز یاد می‌شود (Kalus 1986). در منشآت اخیر کتابخانه مجلس نیز، مهرها با عناوین: مدور، مدور طولانی، محرابی، مربع، مربع طولانی و بادامی تفکیک شده‌اند (میرزا ابوالقاسمی ۱۳۹۳: ۱۵). برخی محققان نام محرابی را مصداقی برای توجهات مذهبی و تشیع‌گزینی صفویان بیان می‌کنند (همان: ۱۶). فرم تاج را که در شکل مهر محرابی نیز خودنمایی می‌کند، از آن جهت که تنها برای مقام و منصب شاهی ساخته می‌شده متناسب با مفاهیم ملوکانه و تاج و تخت شاهنشاهی اسلامی» (همان: ۱۷) دانسته‌اند. اندازه مهرها نیز متفاوت بوده و مهرهای بزرگ برای امور نظامی و مهرهای اندازه کوچک برای امور دربار و کارکنان همچون املاک شاهی، مراسلات مالی و فرمان‌های مربوط به انتصاب افراد، استفاده می‌شده است (سیدرضوی ۱۳۸۹: ۱۳۲). پادشاهان صفوی مهرهای خود را در بالای صفحه و در کنار سطر آغازین می‌زدند و معمولاً در کنار آن نقش طغرا نیز زده می‌شده است (افشارمهاجر و کلهر ۱۳۹۱: ۵۳). ظاهراً روش شاه اسماعیل اول در محل مهر متفاوت از سایر شاهان بوده و اغلب مهر را در بالای سطر اول می‌زده است (جدی ۱۳۹۲: ۲۰۲) هر چند نمونه‌هایی در پایین صفحات قرآن‌های عصر صفوی با مهر شاه اسماعیل اول نیز موجود است (Karimi-Nia 2018: 35). در «موارد خاص که سلطان یا حاکم در حاشیه سند، مطلبی می‌افزود یا آن را تأیید می‌کرده، در این صورت مهر او در کنار دست نوشته‌اش مشاهده می‌شد. در اسناد عالی، جای مهر در انتهای نوشته‌ها یعنی در قسمت پائین سند بوده است» (افشارمهاجر و کلهر ۱۳۹۱: ۵۳). ساختار مهرهای صفوی بر پایه دو شکل مربع و دایره استوار است که در ترکیب با خطوط، شکل‌های متنوع‌تری را به وجود آورده‌اند. مربع نمادی از قانون، ثبات و قدرت می‌باشد و آنچه در مهرهای مربع مشهود است،

قرارگیری عبارت مهر بر روی خط افقی فرضی است (جدول ۱- نشان ۷). این خط در آثار هنری حس آرامش را القاء می‌کند (آیت‌اللهی ۱۳۷۶: ۶۸)؛ که این امر با توجه به دخیل شدن عقاید مذهبی در عبارت مهر کاملاً مشهود است. در واقع حالت افقی عبارت با نوع کلمات که نشأت گرفته از مذهب صفویان است نوعی آرامش خاطر را به بیننده می‌دهد و او را برآن می‌دارد که به صاحب مهر اعتماد کند و او و حاکمیت او را با اطمینان قلبی بپذیرد. مهرهای دایره‌ای نیز حرکت، پویایی و چرخش را القاء می‌کنند (حلیمی ۱۳۶۷: ۹۸) (جدول ۱- نشان ۶). البته در این میان، مهر مسوده دیوان اعلی متمایز است. در این مهر نیز ویژگی‌های بصری نهفته است؛ از جمله اینکه عبارت افقی آن آرامش را القاء می‌کند و دیگر اینکه در واژه‌هایی همچون «اعلی» که به «ی» ختم می‌شوند، تأکید بر خط افقی و آرامش منعکس شده از آن فزونی می‌یابد؛ زیرا «ی» کشیده شده و از حالت منحنی به افقی تغییر حالت داده است (جدول ۱- نشان ۹ بالا سمت راست). نوع دوم مهرهای دایره، دربرگیرنده دو دایره در دل هم هستند و حکاک دو فضای متفاوت را برای آن قائل شده است؛ در دایره داخلی که کوچک می‌باشد عموماً عبارت افقی حک شده اما در دایره بیرونی عبارت متأثر از شعاع دایره و حالت چرخشی دارد، از طرفی خط مارپیچ نگاهی به کثرت و وحدت دارد و نمادی از رسیدن به حق تعالی است (جدول ۱- نشان ۹ سمت چپ). «مارپیچ، خط فنی مانند خودگریزی است که با حرکت دورانی افزایشی، به سوی اوج حرکت می‌کند. مارپیچ نماد تکامل فرد و رها شدن او از خویشتن خویش و برون‌گرایی و آزادی و رستگاری است» (آیت‌اللهی ۱۳۷۶: ۸۸). عبارات دایره بیرونی اعم از شعر یا صلوات منشأ اسلامی داشته و مرتبط با اعتقادات شیعی صفویان است. در این مهرها ترکیب خط افقی با حالت دورانی دو دایره ارتباط پیدا کرده و گویی نمادی از آرامش مرگ و عروج روح به ملکوت را نمایان می‌سازد (جدول ۱- نشان ۹). از طرفی دیگر چون مهرها جنبه دیوانی و رسمی دارند، می‌توانند معنا دیگری نیز داشته باشند؛ آرامش در زیر سایه دولت اسلامی صفوی و رستگاری از آن حاکمان دولت و پیروان آنان خواهد بود. نکته دیگری که در این مهرها وجود دارد، دایره داخلی است که نمادی از خورشید می‌باشد و از آنجا که معمولاً نام حاکم در داخل آن حک می‌شده، می‌تواند نمادی



از «فره ایزدی»<sup>۱</sup> حاکم باشد. این نکته در مهر مربوط به شاه سلیمان که حالت کنگره کنگره‌های پیرامونی‌اش او را به شمس‌ای تبدیل نموده و شمس نیز نمادی از فر معرفی شده، نمایان است (سودآور ۱۳۸۳: ۱۹). دایره خارجی نیز نمادی از زمین می‌تواند باشد. در میان مهرهای این دوره، مهر بادامی شاه سلیمان قابل توجه است (جدول ۱- نشان ۱۱ سمت چپ بالا). گرچه این فرم در اسناد رسمی با نام بادامی (اشکی یا قطرهای) شناخته می‌شود اما فرم آن گویی شکل ساده شده و نمادی از سرو در هنر نگارگری است که فرمی است ایرانی و حکایت از استقامت و پایداری ایرانیان دارد. همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، یکی از فرم‌های جدید در مهرهای شاه صفی، مهرهای تاج‌دار هستند (جدول ۱- نشان ۷ سمت راست بالا). در واقع هنرمند، با افزودن فرمی کنگره‌ای رو به بالا، به بخش فوقانی مهرهای دایره مربع، شکلی تاج‌گونه بخشیده که در اسناد از آن با نام محرابی نیز یاد شده است. تاج مهرها گویی با تاج قزلباش صفویان نیز ارتباط دارد؛ همان‌طور که در بخش اول ذکر شد تاج قزلباش نمادی از صفویان می‌باشد و می‌توان تاج مهر را به تاج قزلباش نسبت داد. از آنجا که این مهرها جهت دادوستد به خصوص با خارجی‌ان استفاده می‌شده به احتمال قوی دربردارنده مفهوم تاج و سروری صفویان و اعتقادات شیعی آنهاست که در پوشش سر آنها، یعنی «تاج قزلباش» نیز القاء می‌شود. هنرمند حکاک در تاج مهرها نیز از عبارتی که مضمون اسلامی دارد، بهره برده و در این صورت فرم تاج با فرم گنبدهای پیازی شکل این دوره نیز همخوانی پیدا کرده است. به دلیل رشد معماری در این دوره شاید هنرمند از روی قصد پیوندی میان تاج مهر با گنبد برقرار ساخته تا گرایش شیعی صفویان را یادآوری کند.

**طغراها:** در مورد فرم ظاهری طغراها چنین آمده که «از چتری مخصوص و بزرگ که در هنگام جنگ در بالای سر سلاطین سلجوقی قرار می‌گرفته و نشانه‌ای از سلطنت و خلافت و قدرت پادشاهان بوده الهام گرفته شده است» (افشارمهاجر و کلهر ۱۳۹۱: ۵۷). فرم چتر مانند طغرا در عهد صفوی با توجه به سلیقه پادشاهان دستخوش تغییراتی شد که موجب شکل‌گیری فرم‌های متفاوت طغرا گردید

۱. فره ایزدی: در شاهنامه فردوسی، همراه با جمشید، «فر ایزدی» معرفی می‌شود که تخت معروفش را، به او ارزانی داشت و مانند خورشید بر آن جلوس کرد (سرخوش کرتیس ۱۳۷۳: ۳۷).

(قائم‌مقامی ۱۳۴۹: ۲۶۵). طغراکشی در دوره صفوی ابتدا متأثر از طغراهای ترکمنان بود که در طغرای شاه اسماعیل اول مشخص است و در خطوط منحنی آن خودنمایی می‌کنند (جدول ۱- نشان ۲). به مرور زمان، تغییراتی در شکل طغرا به وجود آمد و طغرای شطرنجی متداول گردید. «طغراهای شطرنجی، از زمان شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) مرسوم و تا زمان شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) معمول بوده است» (مرتضوی ۱۳۸۷: ۱۶). ساختار این طغراها این‌گونه بود که «طغراها به چهارخانه دوازده قسمتی به غیر نام خدا برای اسامی ائمه اطهار ترسیم گردید. رسم طراحی دوازده‌خانه به این صورت است که چهارخانه افقی مخصوص کلماتی ثابت و معین می‌باشد و نام شاه در پنج خط عمودی این دوازده خانه قرار می‌گیرد» (افشارمهجر و کلهر ۱۳۹۱: ۵۱). همان طور که ذکر شد طغرای شطرنجی مرکب از انواع خطوط است. در هنرهای تجسمی وظیفه خط ترکیب است و می‌تواند میان اجزا پیوند برقرار کند (مصلحی ۱۳۸۷: ۲۹). خطوط طغرای شطرنجی شاه طهماسب اول (جدول ۱- نشان ۴) نامرتب است اما در طغرای شاه صفی (جدول ۱- نشان ۸) دقیق‌تر دیده می‌شود؛ همچنین ارتباط میان خطوط، فرم مربع شکل و در عین حال بافت مانند را ایجاد کرده است. تکرار خط، بافت را ایجاد کرده و رفته رفته ترکیب خطوط به جایی می‌رسد که در طغرای شاه عباس با تکرار خط منحنی در کنار بافت شطرنجی، ریتمی شکل گرفته و تنوع بافت‌ها نیز پدیدار می‌گردد (قائم‌مقامی ۱۳۴۹: ۲۸۴-۲۸۵).

## ب) نگاره

**مهرها:** نقوش روی مهرها نشان‌دهنده فرهنگ، هنر، مراتب اقتصادی و سیاسی مالکان خود بوده است (رضایی آذر ۱۳۸۷: ۲۸). این نقوش نیز همگام با تاریخ تغییر کرده و در هر دوره، شکلی داشته است. آنچه با دیدن مهرهای صفوی، خودنمایی می‌کند نوعی طراحی خط است. در واقع هنرمند، حروف را با زیبایی چشم‌نوازی با فرم مهر هماهنگ کرده و به نقش‌اندازی روی مهر پرداخته است. «در این مهرها به دلیل فزونی متن، رعایت اصول ویژه همجواری حروف در عرصه محدود و اندک مهرها، ضرورت و اهمیت بیش‌تری یافته و سبب ابتکار هنرمندان حکاک و تجلی ذوق هنری آنها شده است» (مرتضوی ۱۳۸۷: ۱۵). مانند مهرهای شاه اسماعیل اول (جدول ۱- نشان ۱) که در بخش

مربوط به خط‌نگاره به آن پرداخته می‌شود. در کنار طراحی خطوط، نقوشی نیز روی برخی از مهرها نمایان است؛ همچون مهر شاه طهماسب اول (جدول ۲- نشان ۲) که در مهر سمت راست در مرکز نقش یک ترنج خودنمایی می‌کند و فضای پیرامونی نیز با خطوط منحنی برگرفته از همان نقش ترنج تقسیم‌بندی شده است. ترنج، نمادی از خورشید است. مهر سمت چپ با نقوش ختایی آذین‌بندی شده است. خطوط ختایی خود بر پایه حرکت حلزونی یا اسپیرال استوار است و همان طور که پیش‌تر هم ذکر شد، ماریچج نماد تکامل، رهایی از خویشتن و آزادی است. این نوع نقوش به طور عمده در زمره مهرهای گلدار دسته‌بندی می‌شوند (Kalus 1986). در مهر سلطان محمد خدابنده نیز، نقش یک ترنج در تاج مهر که اسامی متبرکه در آن نوشته شده و یک ترنج در مرکز دیده می‌شود که در آن عبارت «غلام شاه ولایت سلطان محمدین طهماسب» حک شده است. ترنج که نمادی از خورشید تلقی می‌شود، همراه با اسامی متبرکه «الله محمد علی»، نمادی از منشاء نور عالم هستی خداوندگار و نور هدایت مسلمانان حضرت محمد<sup>ص</sup> و حضرت علی<sup>ع</sup> است. خورشید مرکزی نماد نور ولایت امام عصر، حضرت مهدی<sup>عج</sup> است و حاکم وقت محمد خدابنده، خود را غلام شاه اسلام خطاب می‌کند؛ گویی می‌خواهد اعلام کند که تا زمان ظهور حضرتش، حکومت بر حقی دارد (جدول ۱- نشان ۵). فضای پیرامونی مهر نیز به قاب‌های بزرگ و کوچکی تقسیم شده که احتمالاً در قاب‌های کوچک، نقش گل‌های ختایی قرار داشته است. در مهرهای دوره‌های بعد، به علت عدم وضوح تصویر، تنها نقش دایره مرکزی بر روی مهرها نمایان است (جدول ۱- نشان‌های ۶، ۷ و ۹). در مهرهای شاه سلیمان، نقوش ختایی و دایره مرکزی دیده می‌شود (جدول ۱- نشان ۱۱). در مهرهای سلطان حسین نیز نقش گل‌های پنج‌پر ریزی در میان متن مهر خودنمایی می‌کند اما مشخص نیست که آیا نقش گل به شکل تک بوده یا به همراه ساقه‌های ختایی کشیده شده است. همچنین نقوش دایره مرکزی و مربع مرکزی نیز دیده می‌شود (جدول ۱- نشان ۱۳).

**طغراها:** از آنجا که طغرا در بردارنده اسامی و القاب است در آثار موجود توجه هنرمند به طراحی حروف معطوف شده است. اما در طغرای شاه طهماسب اول در سمت راست طغرا، نقش مربعی که خود به مربع مستطیل‌های کوچک‌تر تقسیم شده خودنمایی می‌کند

(جدول ۱- نشان ۴) که گویی این خانه‌ها از خطوط حروف طغرا پدیدار شده‌اند. در طغرای شاه صفی اول مربع سمت راست به چند مربع داخل هم تبدیل شده و در آن مربع‌های کوچک‌تر نقش بسته است. روی هر خط قطر مربع نیز نام امامی نوشته شده است (جدول ۱- نشان ۸). در طغرای شاه عباس دوم مربع بزرگی در پایین طغرا نقش بسته که همانند طغرای پیشین به مربع‌های کوچک تقسیم شده است (جدول ۱- نشان ۱۰). طغرای نخست شاه سلیمان بر پایه طغراهای جدولی شکل گرفته که مرکب از یک مربع با مربع‌های کوچک داخلی است و طغرای دیگر فرم مستطیل عمودی دارد که سمت چپ آن را مستطیلی بلند تشکیل داده که به چهارده مستطیل افقی و باریک تقسیم شده است (جدول ۱- نشان ۱۲). مستطیل بلند عمودی، در مفهوم شیعی، به دوازده امام و مستطیل‌های کوچک به چهارده معصوم، که ارکان مذهب تشیع را در دولت صفوی تشکیل می‌دهند، اشاره دارد.

### ج) خط‌نگاره

**مهرها:** نوع خطوطی که بر روی مهرهای دوره صفوی خودنمایی می‌کند، ثلث، نسخ و نستعلیق است اما مرسوم‌ترین آنها بالاخص در قرن یازدهم هجری، خط نستعلیق است. خط نستعلیق برای نخستین بار در مهرهای صفوی استفاده شد. در حقیقت کاربرد خط نستعلیق به رغم مهیا بودن شرایط تاریخی از حدود سال ۸۰۰ق به بعد، برای نخستین بار در دوره صفوی و به طور مشخص در زمان شاه عباس اول اتفاق افتاد که نوشتن عروس خط‌ها بر روی مهرها و سکه‌های پادشاهان آن روزگار معمول شد (مرتضوی ۱۳۸۷: ۱۵). این خط «تدریجاً جای اقلام شبیه ثلث را در ترکیب متداول مهرها گرفته است. ظاهراً نقش آفرینی مجدد اشکال چهارگوش، حتی ترجیح تدریجی مربع و بیضی بر دایره در مهرهای این دوران تا اندازه‌ای متأثر این خط و ظرایف و قواعد خاص ترکیبی آن در مهرها بوده است» (میرزا ابوالقاسمی ۱۳۹۳: ۱۸-۱۹).

از بخش متن مهر به عنوان کتیبه مهر یاد می‌شود (Kalus 1986). استفاده از ابیات در مهرها در زمان حکام آق‌قویونلو وجود داشته، اما از زمان شاه طهماسب اول به بعد رواج پیدا کرده است. بر روی اغلب این مهرها می‌توان نام مالک را همراه با واژه «عبده» مشاهده نمود که با

توجه به سجع مهر، ارادت و دل‌بستگی مالک به شخصیتی مذهبی نمایان می‌گردد. گاهی نام مبارک یکی از امامان معصوم بدون نام مالک مهر درج شده که این نشانی از احترام به شخصیت دینی است (افشارمهاجر و کلهر ۱۳۹۱: ۵۳). مهر شاه اسماعیل اول (جدول ۱- نشان ۱) و مهر شاه طهماسب اول (جدول ۱- نشان ۳) هر دو به خط نسخ است. خط نسخ در مهر محمد خدابنده نیز مشاهده می‌شود (جدول ۱- نشان ۵). این در حالی است که در زمان شاه عباس کبیر مهر دیوان عالی وی با خط نسخ (جدول ۱- نشان ۶ سمت راست)، و مهر دیگر وی با خط نستعلیق (جدول ۱- نشان ۶ سمت چپ) نقش شده است. مهرهای زمان شاه صفی اول با خطوط مختلف همچون نسخ، ترکیب ثلث و نستعلیق، یا تنها خط نستعلیق به کار رفته‌اند (جدول ۱- نشان ۷). در دوره شاه عباس دوم، مهر دیوان عالی وی با خط نسخ است اما مهرهای دیگر با خط نستعلیق و پیرامون آن با خط ثلث حک شده است (جدول ۱- نشان ۹). این روند در مهرهای شاه سلیمان و سلطان حسین به خط خوش نستعلیق ختم می‌گردد (جدول ۱- نشان ۱۱ و ۱۳).

**طغراها:** طغراه‌های صفوی اغلب با خط نستعلیق نوشته شده اما خط توقیع، ثلث و نسخ نیز مورد توجه بوده (افشارمهاجر و کلهر، ۱۳۹۱: ۵۷) و رنگ جوهر طغراها نیز تنوع داشته و هر کدام حاوی کاربردی خاص بوده است. «طغراه‌های بقلم سیاه مختص واقعه‌نویس بود و طغراه‌های آب‌طلا و سرخی را منشی‌الممالک می‌کشیده است» (قائم‌مقامی، ۱۳۴۹: ۲۸۳). به طور کلی خط طغرای شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب اول توقیع است (جدول ۱- نشان‌های ۲ و ۴). طغرای شاه صفی اول (جدول ۱- نشان ۸) و شاه عباس دوم (جدول ۱- نشان ۱۰) نیز با خط توقیع است، اما در زمان شاه صفی دوم طغرای مربع‌وار وی با خط ثلث و طغرای مستطیل با خط توقیع نوشته می‌شد و بعد از آن طغرا به شیوه نستعلیق مرسوم گردید (جدول ۱- نشان ۱۲) که در طغراه‌های سلطان حسین کاملاً مشهود است (افشارمهاجر و کلهر ۱۳۹۱: ۵۵-۵۶) (جدول ۱- نشان ۱۴). خطاطی طغرا نیز در این دوره ساده و از خوانش دشوار طغراه‌های پیشین خبری نیست.

## ۲-۲-۴ نشان‌های عثمانی

**الف) فرم و ساختار: مهرها:** همان‌طور که پیشتر ذکر شد، محل قرارگیری مهرهای

سلاطین عثمانی در بالای صفحه بوده است. این مهرها دارای سه شکل بادامی، دایره و مربع هستند که در این میان فرم بادامی بیشتر کاربرد داشته است. انتخاب این فرم گویا به جهت تبعیت با فرم طغرا و در برگرفتن آن بوده است. مهر سلطان بایزید دوم با همان فرم بادامی است که با کمی توجه دو خط بادامی شکل در اندرون طرح با کمی فاصله از هم دیده می‌شود (جدول ۲- نشان ۱). فرم مهر سلطان سلیم اول نیز بادامی است و حکاک آن بدون توجه به زاویه مهر خطوط منحنی بیضی کوچک و بیضی بزرگ را مشابه با فرم بیضوی طغرا طراحی کرده است (جدول ۲- نشان ۳ سمت چپ). مهر دیگری که از سلطان سلیم اول در دست است (Kazemipourleilabadi 2018: 74) به شکل مدور بوده و متن آن در هم فرو رفته و حاوی عباراتی به شیوه خوشنویسی آینه‌ای<sup>۱</sup>، در چهار ربع دایره است (جدول ۲- نشان ۳ سمت راست). از آنجا که این مهر برخلاف مهرهای دیگر سلاطین عثمانی فاقد نقش طغرای سلطان است، به احتمال زیاد جزو مهرهای سیاسی نبوده و برای فرامین دولتی کاربرد نداشته است. بنابراین در پژوهش حاضر مورد بررسی زیبایی‌شناسی قرار نمی‌گیرد. فرم مهرهای سلیمان اول نیز متأثر از همان شکل بادامی است (جدول ۲- نشان ۵). مهر بادامی شکل را می‌توان در مهر سلیم دوم و مراد سوم و احمد اول نیز مشاهده کرد (جدول ۲- نشان‌های ۷ و ۹ و ۱۲). آنچه در میان این مهرهای بادامی قابل توجه است انحنای آنهاست که در مهر بایزید دوم دو گوشه تیز مهر، خط نشان را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع بیضی بزرگ طغرای حک شده در مهر از فرم انحنای اصلی به تیز شدن متمایل گشته است (جدول ۲- نشان ۲)، اما در باقی مهرهای بادامی، انحنای بادام، تحت تأثیر طغرا بوده و محدب‌تر شده است (جدول ۲- نشان ۳). تغییر یاد شده تا شیوه مهرسازی دوران سلطان عثمان دوم که فرمی مدور شکل است (جدول ۲- نشان ۱۵)، تداوم دارد.

**طغراها:** پایه و اساس نشان‌های دیوانی دولت عثمانی را طغراها تشکیل می‌دهند زیرا همان طور که اشاره شد مهرها متأثر از طغرای حاکمان و مکمل آن بوده‌اند. طغراهای عثمانی نیز همانند مهرها، در بالای صفحه نقش می‌شدند. در طغراهای مزبور، نقش خط و

خصوصیات بصری خط کاملاً هویداست. صلابت خط عمودی با سکون خط افقی پیوند برقرار می‌کند و در نهایت در سیال بودن خط منحنی چشم را به حرکت وا می‌دارند. بدین‌سان وحدت میان اجزاء طغرا نمایان می‌شود. تکرار خطوط طوق و کرسی زیر آن، نمادی از قدرت، تاج و تخت و اشاره است به آسمان، خدای حکومت و نمادی از پرچم فرمانده پیروز... همچنین وجود خنجر که اشاره به شمشیر دارد نمادی از عدالت پادشاهان عثمانی است (افشارمهاجر و کلهر ۱۳۹۱: ۵۴). با نگاه به متن طغراها و عبارات روی مهرها مشخص است که طغرا و نشان‌های دیوانی عثمانیان، «نمایی از صلابت حاکم وقت را القا می‌کنند و از ایده اولیه طغراکشی در اسناد رسمی فاصله نگرفته‌اند و همگی، به گونه‌ای، فرمی از شمشیر را نشان می‌دهند (بیضی‌ها و زلفه و طوق‌ها دسته شمشیر، و خنجر نیز به منزله تیغه شمشیر است. در طغرای بایزید دوم، پایه اصلی ترکیبی از سه خط منحنی است و بیضی‌ها از انحنا متعادلی برخوردارند. انحنا خط زلفه‌ها نیز به سمت چپ متمایل هستند و خط مایل خنجر نیز بیشتر به خط افقی تمایل دارد (جدول ۲- نشان ۲). پایه اصلی طغرای سلطان سلیم اول، خط متمایلی است که خود متشکل از چند فرم منحنی است و خط زلفه‌ها نیز با پیچشی خود را به عمود طوق‌ها متکی کرده‌اند. بیضی بزرگ از خط منحنی محدبی تشکیل شده که باعث فاصله‌گیری زیاد از بیضی کوچک گشته است و خط خنجر نیز شبیه تند دارد (جدول ۲- نشان ۴). طغرای سلیمان اول صحنه طنازی خط منحنی است؛ زلفه‌ها پیچشی بیشتر از دوره قبل دارند و فضای بیشتری برای خودنمایی در اختیار گرفته‌اند. بیضی‌ها نیز فرمی بادامی لطیفی دارند که به انحنا کم خنجر طغرا می‌رسند و در نهایت گویی خنجر میل به سکون خط افقی دارد تا حرکت خط مایل (جدول ۲- نشان ۶). در طغرای سلیم دوم پیچش زلفه‌ها کمتر از قبل شده و فرم بیضی‌ها نیز فرم بادامی نامتقارن دارد (جدول ۲- نشان ۸). طغرای مراد سوم دوباره صحنه سیالیت خط منحنی است؛ این بار در کنار پیچش زیاد زلفه‌ها و خط منحنی خنجر که به شکل خنجر شباهت بیشتری دارد، خط منحنی دیگر از میان بیضی‌ها عبور می‌کند تا خط منحنی به کمال در این طغرا جلوه‌گری نماید. جالب است که هنرمند طغراکش این همه حرکت را بر پایه اصلی خط افقی بنا نهاده تا ایستایی ساختمان طغرا محکم بماند (جدول ۲- نشان ۱۰). طغرای محمد سوم ترکیبی از خطوط

منحنی با انحنای زیاد است به طوری که بیضی‌ها بیشتر میل به دایره دارند تا بیضی. انحنای زیاد در زلفه‌ها و خط خنجر نیز دیده می‌شود. پایه اصلی نیز بر سه خط منحنی استوار است (جدول ۲- نشان ۱۱). در سمت چپ طغرای احمد اول، ترکیبی از خطوط منحنی وجود دارد، گویی هر لحظه تعادل کار بر هم خواهد خورد اما ذکاوت هنرمند طغراکش به یاری وی آمده و خط طوق‌ها را که تا پیش از این، از سه خط تجاوز نکرده بود به چهار خط (سه خط عمود و یک خط مایل در سمت راست) رسانده و این‌گونه تعادل را حفظ کرده است (جدول ۲- نشان ۱۳). طغرای مصطفی اول دارای دو خط خنجر جدا از هم است، بیضی‌ها نیز دوباره به شکل بیضی تمایل دارند و طوق‌ها نیز به رسم سه خط برگشته‌اند اما زلفه‌ها هنوز میل به حرکت و پیچش در میان طوق‌ها دارند (جدول ۲- نشان ۱۴). طغرای عثمان دوم دارای دو خنجر موازی هم است با بیضی‌هایی که از فرم بیضی اصلی کمی فاصله گرفته‌اند و انحنای زلفه‌ها نیز کمتر شده است (جدول ۲- نشان ۱۶). طغرای مراد چهارم، طوق‌هایی مایل دارد و دو خط منحنی خنجر، طبق روال ابتدایی به هم وصل گشته‌اند. بیضی‌ها نیز به حالت اصلی فرم بیضی برگشته‌اند و خط منحنی که دو بیضی را نصف می‌کند به خط افقی تمایل دارد (جدول ۲- نشان ۱۷). طغرای سلطان ابراهیم با طوق‌های عمود و بیضی‌هایی طبیعی طراحی شده، اما خط تقارنی که در میان بیضی‌ها آمده کمی سرکشی کرده و به بیرون رفته است (جدول ۲- نشان ۱۸). در طغرای محمد چهارم باز طوق‌ها متمایل شده‌اند و خط خنجر نیز حرکتی رو به پایین دارد. بیضی‌ها نیز کشیده و باریک شده و خط میان بیضی‌ها نیز از حد خود تجاوز کرده و به بیرون از قاب بیضی رفته است (جدول ۲- نشان ۱۹). در طغرای سلیمان دوم، بیضی‌ها فرم عادی و طبیعی خود را حفظ کرده‌اند. خط میان دو بیضی نیز از پویایی مانده و در همان قاب بیضی مسدود گشته است. طوق‌ها نیز کمی مایل هستند و در مقابل خط خنجر نیز پیچشی بیشتر از قبل دارد (جدول ۲- نشان ۲۰).

### ب) نگاره

**مهرها:** آنچه در مهرهای عثمانی خودنمایی می‌کند ترکیب حروف است که همچون تصویری زیبا بر مهر نقش بسته است. در مهر بایزید دوم تمام حروف طغرا با توجه به شکل



بادامی مهر تغییر حالت داده و در واقع انحنای بادامی مهر، طغرا را تحت اختیار خود قرار داده است (جدول ۲- نشان ۱). در مهری از سلیم اول نیز خنجر طغرا تحت تأثیر فرم محدب بالای مهر بوده و از بالای طوق‌ها عبور نموده است (جدول ۲- نشان ۳)؛ در حالی که در فرم اصلی طغرای سلطان، خنجر از زیر طوق‌ها عبور می‌کند و شمایل اصلی خنجر در طغرا می‌نشیند (جدول ۲- نشان ۴). دو مهر از سلیمان اول موجود است که فرم هر دو تحت تأثیر طغرای نقش بسته بر روی آنها قرار دارند. ساختار طغرای به کار رفته در مهرها، تغییری نکرده و تنها به سبب فضای کم، خنجر و طوق‌ها کوتاه شده‌اند. فشردگی حروف موجب غلبه فضای مثبت تصویر بر فضای منفی شده است. خط پهن طغرا بر روی مهر سمت راست، نگاره‌ای متفاوت از دیگری پدید آورده است (جدول ۲- نشان ۵). حکاک مهر سلیم دوم از فضا به گونه‌ای استفاده کرده که آسیبی به نسبت‌های اولیه طغرا وارد نشود به طوری که خط خنجر گرچه کوتاه است اما کوتاهی آن نقضی در تصویر طغرا به وجود نیاورده است (جدول ۲- نشان ۷). در مهر مراد سوم نیز تنها تغییر در فاصله میان طوق‌ها نمایان است (جدول ۲- نشان ۹). در مهر احمد اول نیز تصویر طغرا حک گردیده و تنها خط چهارم طوق حذف شده است؛ البته بی‌شک هنرمند به لحاظ هماهنگی تصویر با فرم مهر، ضرورتی برای وجود آن احساس نکرده است (جدول ۲- نشان ۱۳). در بالای مهر عثمان دوم، آیه «الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدینا الله» و در پایین آن، فرم طغرا حک گردیده و فضای مدور مهر، بستری مناسب برای چنین نقش‌آفرینی پدید آورده است. جالب اینکه هنرمند حکاک کلمه «الحمد لله» را در بالاترین قسمت دایره مهر قرار داده است که در یک محور با طغرا قرار می‌گیرد و آیه نیز به گونه‌ای ختم شده که بلافاصله بعد از آن نقش طغرا زده شده است؛ گویی طغرای سلطان، بر این آیه مهر تأکید زده است (جدول ۲- نشان ۱۵). در مجموع فرم نگاره روی مهر را می‌توان فرمی انتزاعی از شمایل شمشیر عثمانی در نظر گرفت.

**طغراها:** در ساختار طغرای سلاطین عثمانی، چهار بخش اصلی مشترک است:

(۱) Sere (سیره یا پایه اصلی): بخشی که در پایین طغرا قرار دارد و در آنجا متن اصلی

(شامل نام سلطان و پدرش، القاب و دعای سلطان: دائماً المظفر) نوشته شده است.

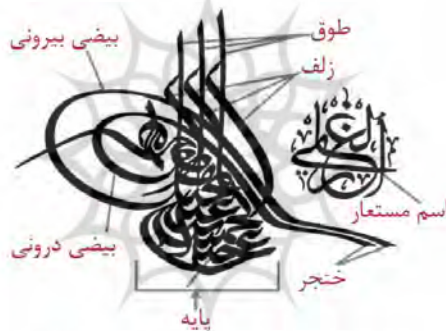
(۲) Beyze (دوایر بیضی شکل): این دو قسمت منحنی بهم پیوسته در سمت چپ طغرا

قرار دارند که منحنی‌های آنها از واژه‌هایی چون «ابن»، «خان» و حرف «نون» تشکیل می‌شوند.

۳) Tugs (طوق): این پسوندها به شکل حرف «الف» بلند قامت هستند که به سمت بالای طغرا امتداد می‌یابند. به خطوط منحنی طاقی شکل در طرفین «الف»، «زلف» گفته می‌شود.

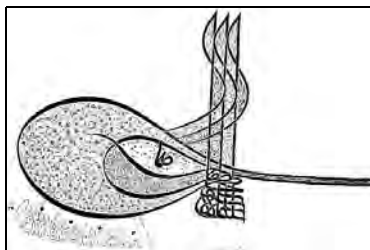
۴) Arms (خنجر): اینها بازوهای هستند که در سمت راست طغرا و در ادامه حرکت بیضی‌ها نقش شده‌اند.

در برخی از طغراها، نام مستعار یا صفت سلطان نیز در فضای فوقانی سمت راست جای می‌گرفته است (تصویر ۴) (Mensiz 2000).



تصویر ۴- ساختار طغرای عثمانی (ibid)

ترکیب خطوط عمودی، افقی و منحنی به گونه‌ای در طغرا شکل گرفته است که چشم‌نوازی می‌کند. حتی با آنکه نام پادشاهان متغیر بوده اما چیدمان واژه‌ها بر روی هم توسط طراح خطوط، ریتمی مشابه را خلق کرده است. در قرون دهم و یازدهم هجری تذهیب نیز در کنار طغراکشی متداول بوده که نمونه آن را می‌توان در طغرای سلطان سلیمان اول دید (جدول ۲- نشان ۶- سمت چپ). این نوع طغراها با شکوفه‌ها و پیچ‌هایی از برگ‌های پَرمانند و با نقوش گلداز زینت یافته و گاهی بر روی زمینه نقاطی رنگین پاشیده شده است. طغراهای طراحی شده برای سلطان سلیمان و پیروان او به جهت داشتن پیچک‌های حلزونی و نوارهای گلداز و افشانه‌ها، ترکیبی از سبک سنتی طغراکشی و سبک طبیعت‌گرا را نشان می‌دهد (Roxburgh 2005: 41) (تصویر ۵).



تصویر ۵- طغرای گلدار سلیمان اول (15: 1973 Binney)

### ج) خط‌نگاره

**مهرها:** با بررسی مهرهای سلطنتی عثمانی، درمی‌یابیم که در اغلب آنها نقش طغراه‌های شاهان نمایان است. چنان‌که پیش‌تر اشاره کردیم، طغرانویسی نوعی از خوشنویسی عثمانیان است که برای فرمان‌ها و منشورهای سلطنتی از آن استفاده می‌شد. البته به دلیل فضای محدود مهرها، شکل اولیه طغرا در آنها کمی تغییر یافته است که در ادامه به بررسی این تغییرات پرداخته می‌شود. در مهر بایزید دوم، خنجر طغرای مهر، بر خلاف شکل اصلی طغرا، به سمت بالا رفته فرم محدبی دارد و گویی کل خط طغرا به دو بخش که بخش سمت راست شامل خطوط در هم تنیده پایه اصلی، طوق‌ها و زلفه‌ها است و بخش دیگر خطوط منحنی بیضی نمایان است البته حکاک مهر نقش گل سه‌پری را در پایین سمت چپ مهر حک کرده است (جدول ۲- نشان ۱). در مهر سلیم اول نیز جای خنجر بالای طوق قرار دارد و محدب گشته است و فضای مهر تقریباً به دو قسمت تقسیم شده یک بخش را خطوط منحنی بیضی و بخش دیگر بافتی در هم تنیده از حروف وجود دارد (جدول ۲- نشان ۳). در مهر سلطان سلیمان اول جای خنجر طغرای مهر در بالا و از میان طوق‌ها عبور کرده است. در اینجا یک بافت از هم باز شده میان خطوط طوق و زلفه و پایه اصلی به وجود آمده است که سبب شده وزن سمت راست مهر نسبت به سمت مقابل، که تنها حروف منحنی بیضی‌ها دیده می‌شود، سنگین‌تر به نظر برسد (جدول ۲- نشان ۵). در مهر سلیم دوم گویی خط طغرای روی مهر به سه بخش تقسیم شده است. در بخش میانی حروف پایه اصلی، زلفه‌ها و طوق‌ها، سمت چپ حروف، بیضی‌ها و سمت راست خنجر طغرا نمایان است (جدول ۲- نشان

۷. طغرای مهر مراد سوم با توجه به فضای محدود مهر طراحی شده و البته حروف در پایه طغرا که حالتی مثلثی دارند بر روی مهر به فرم مربع نزدیک تر شده که در مجموع به بافت طوق و زلفه اتصالی یکدست را دارند (جدول ۲- نشان ۹). طغرانیسی روی مهر سلطان احمد بیشتر با شکل طغرای همان سلطان هماهنگ است؛ تنها سر خنجر کمی بالاتر است، البته روی مهر نقوشی دیده می‌شود که واضح نیست (جدول ۲- نشان ۱۲). مهر عثمان دوم نیز کاملاً مشابه طغرای او است (جدول ۲- نشان ۱۵).

**طغراها:** طغراهای یافت شده از سلاطین عثمانی عموماً با همان ترکیب اصلی که در مورد طغرانیسی پیش‌تر ذکر شد، ترسیم شده‌اند. در این طغراها قلم به صورتی یکنواخت بر روی کاغذ حرکت کرده و حروف پهن و نازک نشده‌اند. در مجموع فرم طغراها یادآور شکل شمشیر است و علاوه بر آن نیز، بخش خنجر طغرا با تیغ شمشیر تطابق معنایی دارد.

## ۵ تحلیل یافته‌ها

در این بخش با هدف تطابق نشان‌های دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی در بازه زمانی قرون دهم و یازدهم هجری، نتایج بررسی ویژگی‌های محتوایی و بصری نشان‌های دیوانی دو دولت مذکور در دو گروه مهر و طغرا جمع‌بندی شده و در قالب جداول ۳، ۴، ۵ و ۶ نمایش داده می‌شود. در نهایت، یافته‌ها براساس وجوه اشتراک و افتراق نشان‌های دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی تفکیک و ارائه می‌گردد.

### ۵-۱ تحلیل ویژگی‌های محتوایی

**مهرها:** با توجه به محتوای مهرها، گرایش شیعی صفویان و تجلی آن در مهرهای دیوانی شاهان کاملاً هویدا است. با استناد به تاریخ و فرهنگ و تعلق خاطر اکثر ایرانیان آن زمان به بزرگان دین اسلام، توجه شاهان صفوی به تشیع و اولیای دین و انعکاس آن در ظواهر سیاسی، ممکن است برای جلب اطمینان مردم بوده باشد. در مقابل سلاطین عثمانی سنی مذهب در مهرهای دیوانی بر پیروزی و سروری خود تأکید داشته‌اند (جدول ۳).

جدول ۳- تحلیل تطبیقی ویژگی‌های محتوایی در مهرهای دو دولت صفوی و عثمانی

محتوای عبارات							
نام حکمران	اسامی متبرکه	آیات قرآنی	ادعیه	اعتقادات دینی	فرهنگ بومی و نژادی	سال و زمان حکمرانی	
مهر صفوی	اسماعیل اول	علی <sup>ع</sup> و امامان معصوم	صلوات دوازده امام	شیعه	ایرانی- ترکی	۹۰۷-۹۳۰ قی	نیمه اول قرن ۱۰ هجری
مهر عثمانی	بایزید دوم سلیم اول سلیمان اول	----- ----- -----	بایزید بن محمد حان مظفر دائماً سلیم بن بایزید حان المظفر دائماً سلیمان بن سلیم شاه حان المظفر دائماً	اهل سنت	ترکی- عثمانی	۸۸۶-۹۱۸ ۹۱۸-۹۲۶ ۹۲۶-۹۷۴	
مهر صفوی	طهماسب محمد خدابنده	الله محمد علی الله محمد علی	المتوکل علی الله الملك اله نی طهماسب	شیعه	ایرانی- ترکی	۹۴۰-۹۸۴ ۹۹۶-۹۸۵	
مهر عثمانی	سلیمان اول سلیم دوم مراد سوم	----- ----- -----	سلیمان بن سلیم شاه حان المظفر دائماً أسلیم شاه بن سلیمان شاه حان المظفر دائماً اسامی و القاب شاه (کلمات واضح نمی باشند)	اهل سنت	ترکی- عثمانی	۹۲۶-۹۷۴ ۹۷۴-۹۸۲ ۹۸۲- ۱۰۰۳	نیمه دوم قرن ۱۰ هجری
مهر صفوی	عباس کبیر صفی اول	علی <sup>ع</sup>	صلوات دوازده امام صلوات دوازده امام	شیعه	ایرانی- ترکی	۹۹۶- ۱۰۳۸ ۱۰۳۸- ۱۰۵۲	
مهر عثمانی	مراد سوم محمد سوم احمد اول مصطفی اول عثمان دوم مراد چهارم	----- ----- ----- ----- ----- -----	اسامی و القاب (کلمات واضح نمی باشند) احمد بن محمد حان المظفر دائماً الحمد لله الذي هدینا لهذا و ما عثمان حان بن احمد المظفر دائماً	اهل سنت	عثمانی- ترکی	۹۸۲- ۱۰۰۳ ۱۰۰۳- ۱۰۱۲ ۱۰۱۲- ۱۰۲۶ ۱۰۲۶- ۱۰۲۷ ۱۰۲۷- ۱۰۳۱ ۱۰۳۱- ۱۰۳۲ ۱۰۳۲- ۱۰۴۹	نیمه اول قرن ۱۱ هجری
مهر صفوی	عباس دوم شاه سلیمان	علی <sup>ع</sup> الله و امام علی <sup>ع</sup>	صلوات دوازده امام صلوات دوازده امام	شیعه	ایرانی- ترکی	۱۰۵۲- ۱۰۷۸ ۱۰۷۷- ۱۱۰۵	

۱۰۴۹- ۵۱۰۵۸ -۱۰۵۸ ۵۱۰۹۷	ترکی- عثمانی	اهل سنت	----- ----- -----	----- ----- -----	----- ----- -----	ابراهیم محمد چهارم	مهر عثمانی	نیمه اول قرن ۱۲ هجری
۱۱۰۶- ۵۱۱۳۵	ایرانی- ترکی	شیعه	بسم الله الرحمن الرحيم کمتترین کلب امیرالمومنین سلطان حسین صلوات دوازده امام	-----	اعلی	سلطان حسین	مهر صفوی	
۱۰۹۷- ۵۱۱۰۱	ترکی- عثمانی	اهل سنت	----- -----	----- -----	----- -----	سلیمان دوم	مهر عثمانی	

**طغراها:** با توجه به محتوای طغراها، خط مشی صفویان در بیان اعتقادات مذهبی و به حق بودن حکمرانی‌شان است. به عقیده نگارندگان، اعتقاد به فره ایزدی و تجلی آن در ارکان حکومت صفوی، ریشه در فرهنگ ایران باستان (زمان ساسانیان) دارد. در مورد طغراهای عثمانی نیز همچنان تأکید بر سروری و پیروزی است و کمتر گرایش به نمایش اعتقادات دینی دیده می‌شود (جدول ۴).

جدول ۴- تحلیل تطبیقی ویژگی‌های محتوایی در طغراهای دو دولت صفوی و عثمانی

سال و زمان حکمرانی		فرهنگ بومی و زادگی	اعتقادات دینی	ادعیه	آیات قرآنی	اسامی مترکه	نم حکمران	محتوای عبارات	
۹۳۰-۹۰۷	ایرانی- ترکی	اعتقاد به تشیع	ابوالمظفر اسمعیل سیوزومز	-----	-----	اسماعیل اول	طغرای صفوی	نیمه اول قرن ۱۰ هجری	
۹۱۸-۸۸۶ ۹۲۶-۹۱۸ ۹۷۴-۹۲۶	ترکی- عثمانی	اهل سنت	بایزید بن محمد حان مظفر دائماً سلیم بن بایزید حان مظفر دائماً سلیمان بن سلیم شاه حان مظفر دائماً	-----	-----	بایزید دوم سلیم اول سلیمان اول	طغرای عثمانی		
۹۸۴-۹۶۰ ۹۸۵-۹۹۶	ایرانی- ترکی	شیعه	المتوکل علی الله الملك الع نی طهماسب -----	-----	الله محمد لی الله محمد لی	طهماسب محمدخدا نده	طغرای صفوی	نیمه دوم قرن ۱۰ هجری	
۹۷۴-۹۲۶ ۹۸۲-۹۷۴ ۱۰۰۳-۹۸۲	ترکی- عثمانی	اهل سنت	سلیمان بن سلیم شاه حان مظفر دائ ماً سلیم شاه بن سلیمان شاه حان مظفر دائماً	-----	-----	سلیمان اول سلیم دوم مراد سوم	طغرای عثمانی		

۱۰۳۸-۹۹۶ ۱۰۵۲-۱۰۳۸	ایرانی- ترکی	شیعه	صلوات دوازده امام الحکم لله للمؤید من عندالله، ابوالمظفر صفی شاه الصفوی الموسی الحسین ی سیوز و مز	----- -----	علی، حسن حسین، علی محمد، جعفر موسی، علی حسن، محمد	عباس کبیر صفی اول	طغرای صفوی	نیمه اول قرن ۱۱ هجری
۹۸۲-۱۰۰۳ ۱۰۱۲-۱۰۰۳ ۱۰۲۶-۱۰۱۲ ۱۰۲۶-۱۰۲۶ ۱۰۳۱-۱۰۲۷ ۱۰۴۹-۱۰۳۲	ترکی- عثمانی	اهل سنت	احمدبن محمد حان المظفر دائماً عثمان حان بن احمد المظفر دائماً	----- ----- ----- -----	----- ----- ----- -----	مراد سوم محمد سوم احمد اول مصطفی اول عثمان دوم مراد چهارم	طغرای عثمانی	
۱۰۷۸-۱۰۵۲ ۱۱۰۵-۱۰۷۷	ایرانی- ترکی	شیعه	صلوات دوازده امام صلوات دوازده امام	----- -----	دوازده امام <sup>۴</sup> -----	عباس دوم شاه سلیمان	طغرای صفوی	نیمه دوم قرن ۱۱ هجری
۱۰۵۸-۱۰۴۹ ۱۰۹۷-۱۰۵۸	عثمانی- ترکی	اهل سنت	----- -----	----- -----	----- -----	ابراهیم محمد چهارم	طغرای عثمانی	
۱۱۳۵-۱۱۰۶	عثمانی- ترکی	شیعه	حکم جهان مطاع شد	-----	اعلی	سلطان حسین	طغرای صفوی	نیمه اول قرن ۱۲ هجری
۱۱۰۱-۱۰۹۷	عثمانی- ترکی	اهل سنت	-----	-----	-----	سلیمان دوم	طغرای عثمانی	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## ۲-۵ تحلیل ویژگی‌های بصری

**مهرها:** چنان که پیش تر اشاره شد، تنوع فرم مهرهای عثمانی در قیاس با نمونه‌های صفوی محدود است و از سوی دیگر حک شدن فرم طغرا بر روی مهر، خود دلیلی بر ترجیح مهر بادامی بر دیگر اشکال موجود بر مهرهای این دولت شده است. با توجه به این نکته، نقش طغرا به عنوان نگاره بر روی مهرهای دیوانی عثمانی محسوب می‌شود. اهمیت نقش طغرا برای عثمانیان سبب ایجاد محدودیت در کار هنرمندان حکاک آن دیار شده، به طوری که فرم طغرا در ابتدا همچون بافتی نامنظم از حروف درهم تنیده بوده و به مرور زمان، نظم یافته و شباهت بیشتری به فرم اصلی طغرا پیدا کرده است. محدودیت در فرم و نگاره و خط‌نگاره که همگی نشئت گرفته از فرم طغرا است، می‌تواند

بیانگر اهمیت طغرا در میان عثمانیان باشد. آنان، از روی عمد، طغرای دیوانی را با جلوه‌های هنری ترکیب نکرده‌اند تا تنها بر حکومت و نشان دیوانی‌شان تأکید داشته باشند. در مورد مهرهای صفویان، تنوع فرم مهرها چشمگیر و ساختار قرارگیری خطوط کاملاً مشهود است. علاوه بر عباراتی که با توجه به فرم مهر قالب خاص گرفته، نقوش ختایی نیز در برخی از مهرها دیده می‌شود. نوع قلم خوشنویسی روی مهرهای صفوی نیز متنوع است. تنوع اشکال و نگاره و خطِ نگاره، نمادی از سلیقه صفویان و اهمیت آنان به هنر است، زیرا بستر محدود مهر، جلوه‌ای برای پیوند هنر خوشنویسی و طراحی نقوش فراهم نموده است. همچنین تجلی فرم و نقش و خطِ نگاره در مهرهای دیوانی می‌تواند دلیلی دیگر بر اهمیت این هنرها در میان صفویان باشد (جدول ۵).

جدول ۵- تحلیل تطبیقی ویژگی‌های بصری در مهرهای دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی

نیمه اول قرن ۱۰ هجری	مهر صفوی	فرم و ساختار	نگاره	خط‌نگاره
نیمه دوم قرن ۱۰ هجری	مهر عثمانی	بادامی	ایجاد بافتی درهم تنیده نامنظم	خط طغرا
	مهر صفوی	مدور - مدور تاج‌دار و کنگره‌دار (در دوصورت ساده و دو دایره در دل هم) با مضمونی مذهبی	ترنج - ختایی	نسخ
نیمه اول قرن ۱۱ هجری	مهر عثمانی	بادامی	بافت منظم	خط دیوانی طغرا
	مهر صفوی	مستطیل - مدور و مدور تاج‌دار (در دوشکل ساد و دودایره در دل هم) با مضمونی مذهبی	نقش دایره	نسخ - نستعلیق
نیمه دوم قرن ۱۱ هجری	مهر عثمانی	بادامی - مدور	بافتی مشابه طغرا	خط دیوانی طغرا
	مهر صفوی	مستطیل - محرابی - بادامی - مدور و مدور تاجی دار مضمون مذهبی	ختایی - نقش دایره	نسخ - نستعلیق - ثلث -
	مهر عثمانی	بادامی	عدم دسترسی به مهر	خط دیوانی طغرا

**طغراها:** در تحلیل بصری طغراهای صفویان، تنوع در فرم و ساختار و نگاره و خط‌نگاره کاملاً نمایان است اما در طغراهای عثمانی تکرار فرم و نگاره و خط‌نگاره مشاهده می‌شود. فرم‌های مربع، مستطیل و دوزنقه در ترکیب با انواع خطوط افقی و عمودی و منحنی، به همراه



کاربرد متنوع خطوط ثلث، تویق و نستعلیق، مشخصه اصلی طغراهای صفوی است در حالی که طغراهای عثمانی با فرم شمشیری و حداقل تنوع خط و نگاره هویت می‌یابد (جدول ۶).

جدول ۶- تحلیل تطبیقی ویژگی‌های بصری در طغراهای دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی

خط نگاره	نگاره	فرم و ساختار	طغرای صفوی	نیمه اول قرن ۱۰ هجری
تویق	فاقد نگاره	فرمی دوزنقهای مرکب با خط غالب منحنی	طغرای عثمانی	نیمه دوم قرن ۱۰ هجری
خط دیوانی طغرا	شمایل شمشیر	فرم شمشیری	طغرای صفوی	نیمه اول قرن ۱۱ هجری
تویق	مربع شطرنجی	فرمی مربع مستطیلی مرکب از خطوط منحنی و افقی و عمودی	طغرای عثمانی	نیمه دوم قرن ۱۱ هجری
خط دیوانی طغرا	شمایل شمشیر	فرم شمشیری	طغرای صفوی	
تویق	مربع شطرنجی	فرمی مربع مستطیلی مرکب از خطوط منحنی و افقی و عمودی	طغرای عثمانی	
خط دیوانی طغرا	شمایل شمشیر	فرم شمشیری	طغرای صفوی	
ثلث تویق - نستعلیق	مستطیل با خانه‌های مستطیلی افقی	فرم مستطیلی نامنظم مرکب از خطوط عمودی و افقی و منحنی	طغرای عثمانی	
خط دیوانی طغرا	شمایل شمشیر	فرم شمشیری	طغرای صفوی	

### ۱-۲-۵ وجوه اشتراک

بر اساس مطالعات انجام شده، میان نشان‌های دیوانی صفویان و عثمانیان شباهت‌هایی دیده می‌شود. این شباهت‌ها عبارت است از: نیمه اول قرن دهم، فرم مدور مهر شاه طهماسب اول و سلطان سلیم اول و طرازبندی نوشتاری درونی مهرها (تصویر ۶) و همچنین در نیمه نخست قرن یازدهم فرم مدور مهر عثمان دوم با مهر مدور شاه عباس اول و صفی اول (تصویر ۷) که اینجا نیز فرمی مشترک دارند. همچنین استفاده از آیات قرآنی که پیش از این در مهرهای عثمانی دیده نمی‌شد، در مهر عثمان دوم پدیدار گشته که اشتراکی دیگر با مهرهای صفوی دارد. با توجه به تاریخ حکمرانی عثمان دوم (۱۰۲۷ق) و پیشینه تاریخی ذکر شده، این تشابه می‌تواند از تأثیرات فرهنگی پس از عهدنامه دشت سراو<sup>۱</sup> که میان سلطان عثمانی با شاه عباس اول بسته شده، باشد.

۱. در این عهدنامه، در قبال مناطق داده‌شده، شاه ایران موظف می‌شود کالاهایی از جمله قماش و... را وارد مرزهای عثمان کند (احمد یاغی ۱۳۷۹: ۱۷۲).



ب- مهر سلطان سلیم اول



الف- مهر شاه طهماسب اول

تصویر ۶- ساختار مشترک مهرهای صفوی و عثمانی در نیمه نخست قرن دهم هجری



ج- مهرشاه صفی اول



ب- مهر شاه عباس اول



الف- مهرعثمان دوم

تصویر ۷- ساختار مشترک مهرهای صفوی و عثمانی در نیمه نخست قرن یازدهم هجری

شباهت‌های طغراهای دیوانی شاهان و سلاطین دو دولت یاد شده چنین است: واژه «ابوالمظفر» در طغراهای صفوی و واژه «المظفر» در طغراهای عثمانی به مفهوم «پیروز» میان دو طغرا تشابه مفهومی برقرار می‌کند. همچنین واژگان یاد شده هر دو به زبان عربی در طغرا نگاشته شده‌اند و این در حالی است که زبان صفویان ترکی - فارسی و زبان عثمانیان ترکی - عثمانی می‌باشد، در واقع انتخاب لفظ عربی، ریشه در مذهب مشترک هر دو یعنی اسلام دارد. با بررسی بیشتر می‌توان میان طغراها و مهرهای دو دولت شباهت مشاهده نمود به طوری که سمت چپ طغرای شطرنجی شاه طهماسب اول (تصویر ۸) بافتی تقریباً مشابه سمت چپ طغرای نقش بسته بر مهر سلطان سلیمان اول (تصویر ۹) و مهر سلطان سلیم دوم (تصویر ۱۰) دارد. این در حالی است که در بخش تحلیل نگاره مهرهای عثمانی ذکر شد که طغرای این دو مهر از فرم اولیه طغرای سلاطین کمی فاصله گرفته است.



تصویر ۱۰- طغرای سلطان سلیم دوم



تصویر ۹- طغرای سلطان سلیمان اول



تصویر ۸ - طغرای شاه طهماسب اول

این شباهت با توجه به هم‌زمان بودن دوران حکمرانی شاه طهماسب اول با حکمرانی سلطان سلیمان اول و سلطان سلیم دوم در این سال‌ها، تبادلات فرهنگی - هنری و اشتراکات فکری آنها را به‌رغم اختلافات سیاسی بسیار نمایان می‌سازد.

## ۲-۲-۵ وجوه افتراق

تفاوت‌هایی نیز میان نشان‌های دیوانی دو دولت عثمانی و صفوی وجود دارد. در مورد مهرها، یکی از این تفاوت‌ها مربوط به تنوع در فرم و خطوط روی مهرهای صفوی و تفاوت دیگر در نگاره‌های روی مهرهاست که شامل نقوش ختایی، اسلیمی و دایره می‌شوند با نمونه‌های عثمانی متفاوت هستند. علاوه بر این، مهرهای صفوی بستری برای انعکاس عقاید شیعی صفویان بوده است. در مهرهای عثمانی فرم غالب اکثر مهرها بادامی شکل و کمتر دارای تنوع است و نگاره روی مهرها نیز متأثر از فرم طغرای سلاطین عثمانی است. خط غالب روی مهرها همان طغرناویسی مرسوم عثمانی می‌باشد که در قیاس با نمونه‌های صفوی فاقد تنوع است. عبارات روی مهر نیز تنها نام سلطان و اجداد او و واژه «المظفر» را در بردارد که حکمرانی عثمانیان و اعتقاد به پیروزی آنها را منعکس می‌کند. به جز لفظ عربی در واژه «المظفر» نشانی از اعتقادات مذهبی عثمانیان دیده نمی‌شود.

در مورد طغراها نیز تفاوت‌ها به این شرح است: طغراهای صفوی فرم‌های متنوعی به خود گرفته و علاوه بر تأکید بر حکمرانی شاه، نام بزرگان دین نیز در طغرا نقش بسته است. فرم و ساختار متنوع طغراها، تنوع در نگاره روی طغرا که در واقع بافت‌های متنوع‌اند، و انواع

خطوط روی طغراها پیوند هنر با حکومت را نشان می‌دهد؛ در حالی که طغرای عثمانیان برگرفته از هسته اصلی حکومتی آنان می‌باشد. فرم شمشیرگونه و نگاره‌هایی برگرفته از ساختار طغرا و خط یکسان طغرانویسی همه دال بر تمایل به حفظ جایگاه طغرا در میان سلاطین عثمانی است.

## ۵ نتیجه

نشان‌های دیوانی دو دولت صفوی و عثمانی، اسناد سیاسی، فرهنگی و هنری ممتازی محسوب می‌شوند که رمزگان بصری تأمل‌برانگیزی را در سنجش گرایش‌های سیاسی و فکری این دو دولت در اختیار می‌گذارند. این نشان‌ها، در تاریخ حاکمیت هر کدام از شاهان صفوی/ سلاطین عثمانی، دو گروه مهم مهرها و طغراها را شامل می‌شوند. نتیجه بررسی‌های انجام شده بر روی مهرها و طغراهای دو دولت صفوی و عثمانی در قرون دهم و یازدهم هجری، وجوه اشتراک و افتراق بسیاری را نمایان می‌کند. هر دو دولت پیرو دین اسلام‌اند و به همین سبب، واژه‌ها و عبارات عربی بر روی مهرها و طغراهای دو دولت دیده می‌شود؛ از جمله واژه «المظفر» و «ابوالمظفر» در مفهوم کلی «پیروز» که بر روی طغراهای هر دو دولت نقش بسته است. این در حالی است که یکی از زبان‌های اصلی هر دو دولت، ترکی است و گرچه تفاوتی در نوع گویش آنان وجود دارد، لیکن واژه‌های مشترکی نیز در نشان‌های دولتی هر دو گروه نقش بسته است. در نشان‌های دیوانی دو دولت عثمانی و صفوی، کاربرد مفهومی عناصر بصری کاملاً هویدا است و بازتاب برخی تحولات سیاسی می‌باشد. در این مورد می‌توان به انعقاد قرارداد دشت سراو در ذیقعد ۱۰۲۷ بین شاه عباس اول با سلطان عثمان دوم اشاره کرد، که بر شکل و محتوای عناصر موجود در مهر عثمان دوم اثر گذاشته و تغییراتی مشابه آنچه در نشان‌های هم‌عصر آن در دولت صفوی وجود داشته، نقش بسته است. به عنوان مثال، برای اولین بار بر روی مهر دیوانی یک سلطان عثمانی آیه‌ای از قرآن حک شده و همچنین فرم مهر عثمانی، شبیه به مهر شاه عباس صفوی، مدور می‌گردد. در موارد دیگر نیز تشابه فرم بخشی از طغرای روی مهر سلطان سلیمان اول و سلیم دوم با فرم

طغرای شطرنجی شاه طهماسب اول دیده می‌شود؛ همچنین فرم شمشیرگونه سلاطین عثمانی کمی تغییر حالت یافته و مشابه طغرای صفوی شده است.

سلاطین عثمانی به دلیل آنکه برای طغرای خود، ارزش مفهومی ثابتی به معنای پیروزی و شجاعت قائل بودند، فرم و ساختار کلی طغرای اولیه را تغییر نداده و از نسلی به نسل دیگر از قالب اصلی آن تبعیت کرده‌اند؛ اما در طغرای نقش‌بسته بر روی مُهرها، از این قاعده پیروی نشده و فرم‌های جدیدی را به کار رفته‌اند.

علاوه بر شباهت‌های موجود، تفاوت‌های میان گرایش‌های مذهبی صفویان و عثمانیان، از تأثیرگذارترین موارد در پایداری وجوه افتراق نشان‌های دیوانی دو دولت مزبور بوده است. فرم مُهرهای صفوی بسیار متنوع بوده و گاهی هنرمند ایرانی دست به ابداع فرم‌های بدیع همچون انواع نشان‌های تاج‌دار زده است. این در حالی است که اکثر مُهرهای دیوانی عثمانیان فرم یکسان بادامی دارند. خط‌نگاره‌ها و نگاره‌های متنوع با مفاهیم متفاوت که نشان از بینش شیعی صفویان دارد، بر روی مهرهای صفوی دیده می‌شود. مُهرهای صفوی به مقاصد کاربردی ویژه با مضمونی خاص حک شده‌اند، اما در مُهرهای دیوانی عثمانی تنها یک نگاره (فرم شمشیری طغرا)، یک خط‌نگاره (طغرانویسی) و یک عبارت ثابت (القاب و اسامی روی طغرا) به کار رفته است. طغراهای صفوی نیز در هر دوره دارای فرمی متغیر با مضامینی شیعی بوده‌اند و تنوع در شکل طغراها، نگاره‌هایی با بافت‌های متنوع با فرم مربع و منحنی پدیدار ساخته که القاء‌کننده مفاهیمی همچون حکومتی الهی است. در طغراهای عثمانی ساختاری مشابه و نگاره‌ای با شمایل شمشیر دیده می‌شود که مفهوم پیروزی مطلق و اعتقادات سیاسی عثمانیان را در بر دارد. خط طغراهای صفوی نیز متنوع بوده اما در طغراهای عثمانی تنها یک نوع خط مشاهده می‌شود.

در پرتو آنچه ذکر شد چنین استنباط می‌شود که صفویان ارکان حکومت را با توجه به اعتقادات مذهبی خود (حتی در ظاهر) بنا کرده و در نشان‌های دیوانی نوع بینش شیعی خود را دخیل کرده‌اند. همچنین میان نشان دیوانی خود با هنر ارتباطی تنگاتنگ برقرار کرده‌اند، که کاربرد انواع قلم‌های خوشنویسی و نقش‌مایه‌های هندسی، ختایی و اسلیمی از نشانه‌های آن است. از سوی دیگر هنر مفهومی با مفاهیمی همچون شیعی دوازده امامی، ملکوت، کثرت در

عین وحدت و مشروعیت بر روی نشان‌های دیوانی صفویان پدیدار است. در مقابل، عثمانیان با کمترین توجه به اعتقادات مذهبی، نوعی از نشان‌های دیوانی را برگزیده‌اند که تنها بر بینش سیاسی آنها تأکید دارد. نقش شمشیر با عباراتی چون القاب شاهی و ساختاری قدرت‌نما (علامت خنجر بر طغرای عثمانی) همه دال بر اعتقاد عثمانیان به قدرت و پیروزی همیشگی است. بنابراین، نشان‌های دیوانی هر دو دولت، با توجه به اعتقادات سیاسی و فرهنگی آنها، در بیان مفهوم «بر حق بودن حکومت» اشتراک دارند.

## منابع

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۷۶)، *مبانی هنرهای تجسمی*، تهران: سمت.
- احمد یاغی، اسماعیل (۱۳۷۹)، *دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال*، ترجمه رسول جعفریان، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.
- افشارمهاجر، کامران و سمر کلهر (۱۳۹۱)، «بررسی طغرا و مهرهای سلطنتی ایران (ایلخانیان - قاجار)»، *هنرهای زیبا*، دوره ۱۷، ش ۳، پاییز، ص ۴۹-۵۸.
- اوزون چارشی‌لی، اسماعیل حقی (۱۳۶۹)، *تاریخ عثمانی (جلد دوم: از فتح استانبول تا مرگ سلطان سلیمان قانونی)*، ترجمه ایرج نوبخت، تهران: کیهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰)، *تاریخ عثمانی (جلد سوم: از سلطنت سلطان سلیم ثانی تا آغاز دوره انحطاط)*، ترجمه ایرج نوبخت، تهران: کیهان.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۷)، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: صفی‌علیشاه.
- پره، نوری (۱۳۹۰)، *سکه‌های عثمانی*، ترجمه علیرضا بخشعلی‌نژاد اصل، تبریز: پازینه.
- پورگشتال، هامر (۱۳۶۷)، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، میرزازکی علی‌آبادی، به‌اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: زرین.
- جدی، محمدجواد (۱۳۹۲)، *دانشنامه مهر و حکاکی*، تهران: مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- خلقی، مهرداد (۱۳۸۹)، *دستور حکاکی*، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- رضایی آذر، ندا (۱۳۸۷)، «کهن‌مهرها نشانه هویت و مالکیت، نقش‌مایه»، *دوفصلنامه تخصصی هنرهای تجسمی*، س ۱، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۷-۲۹.

رومیر، ه. ر. (۱۳۸۴)، *تاریخ ایران دوره صفویان (پژوهش دانشگاه کمبریج)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.

سرخوش کرتیس، وستا (۱۳۷۳)، *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.

سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۳)، *قره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*، تهران: میرک.

سیدرضوی، نسرين (۱۳۸۹)، «مهر شاهان صفوی (شکل، نقش و مضمون)»، *دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی*، ش ۱۲، بهار و تابستان، ص ۱۲۹-۱۴۱.

سیوری، راجر. م. (۱۳۸۲)، *تحقیقاتی در تاریخ عصر صفوی*، ترجمه عباسقلی غفاری فرد و محمدباقر آرام، تهران: امیرکبیر.

شوستر والسر، سببیللا (۱۳۶۴)، *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان*، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران: امیرکبیر.

صادقی، زهرا (۱۳۹۲)، *تاریخ ایران در عصر صفوی*، تهران: پارسه.

صفاکیش، حمیدرضا (۱۳۹۰)، *صفویان در گذرگاه تاریخ*، تهران: سخن.

فدایی، مریم (۱۳۹۱)، «هنر خوشنویسی دوره امپراتوری عثمانی»، *مجله کتاب ماه هنر*، ش ۱۷۲، دی، ص ۶۶-۷۷.

قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۴۹)، «توقیع و طغرا و تطور آنها در تداول دیوانی»، *نشریه بررسی‌های تاریخی*، ش ۳، سال ۵، ص ۲۳۹-۲۸۶، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

مرتضوی، مرضیه (۱۳۸۷)، «بررسی مهر و طغرای فرمان‌های صفوی در موزه ملی ملک»، *گنجینه اسناد*، ش ۷۲، ص ۱۳-۲۰.

مصلحی، علی محمد (۱۳۸۷)، *مبانی پایه و هندسی عناصر گرافیک*، تهران: فخراکیا.

میرزا ابوالقاسمی، محمد صادق (۱۳۹۳)، «تحول شکل در مهرهای متأخر اسلامی»، *دوفصلنامه هنرهای کاربردی*، ش ۵، بهار و تابستان، ص ۱۳-۲۰.

نیومن، اندرو. جی. (۱۳۹۳)، *ایران صفوی، نوزایی امپراتوری ایران*، ترجمه عیسی عبدی، تهران: پارسه.

AKKAYA, Necla (2011), *Mardin Müzesi'ndeki İslami Dönem Sikkelerinden Örnekler*, Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Sanat Tarihi Anabilim Dalı.

Ariil, Esin (1987), *The Age of Sultan Suleyman the Magnificent*, National Gallery of Art Washington.

Aydoğmuşoğlu, Cihat (2013), *Safevî Çağına Ait Üç Türkçe Mektup Ve, Değerlendirilmesi*, Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi, 53, 2: 411-420.

BINNEY, Edwin (1973), *Turkish Miniature Paintings and Manuscripts*, New York: The Metropolitan Museum of Art.

- DERMAN, M. Uğur (2000), *Letters in Gold: Ottoman Calligraphy from the SakıpSabancı Collection*, Istanbul: Metropolitan Museum of Art (New York, N.Y.), Los Angeles County Museum of Art.
- GALLOP, Annabel and VENETIA Porter (2011), *Lasting Impressions (Seals from the Islamic world)*, London: A Travelling Photographic Exhibition from the British Museum and British Library.
- KADOI, Yuka Kadoi (2009), *Islamic Chinoiserie: The Art of Mongol Iran*, Edinburgh University Press.
- KALUS, L. (1986), Catalogue of Islamic Seals and Talismans. Oxford, (<http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/7/10228/10286>).
- KARIMI-NIA, Morteza (2018), *Šāh Ismā'īl und seine zeitgleich mehreren Koranexemplare: eine Reflexion der Problematik der Signaturfälschung der schiitischen Imame in den Koran manuskripten*, in *Spektrum Iran*, 31. Jg., 29-53.
- KAZEMİPOUR Leilabadi, Negar (2018), *Osmanlı Dönemi'nde Yazma Eserlerin Kütüphanelerde Koruma Gelenekleri*, Kadir Has Üniversitesi, Fen Bilimleri Enstitüsü, Mimarlık Anabilim Dalı, Yüksek Lisans Tezi, İstanbul.
- KÖSELER, Melike (2019), *Mülkiyet İşareti Olarak Osmanlı Mühürleri Ve Exlibris İlişkisi*, Akdeniz Üniversitesi, Güzel Sanatlar Enstitüsü, Sanat Ve Tasarım Anasanat Dalı, Yüksek Lisans Tezi, Antalya.
- MENSİZ, Ercan (2000), *Tugras in the Turkish World and Ottoman Sultan Tugras*, About Tugra, (<https://www.tugra.org>).
- PORTER, Venetia (2011), *Arabic and Persian Seals and Amulets in the British Museum*, the British Museum.
- REYCHMAN, Jan & Ananiasz ZAJĄCZKOWSKI (1993), *Osmanlı Türk Diplomatiği El Kitabı (Handbook of Ottoman-Turkish Diplomats)*, Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı Yayın Nuş 10ç
- ROXBURGH, David J. (2005), *Turks a Journey of thousand years 600- 1600*, Royal Academy of Art.
- ŞAHİN, Esmâ (2013), *Bâkî Divanı'na Göre 16. Yüzyıl Osmanlı Toplum Hayatı*, Doktora Tezi, İstanbul Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Türk Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı.
- UMUR, Suha (1980), *Osmanlı Padişah Tuğraları*, İstanbul: Cem Yayınevi.
- UZUNÇARSLI, İsmail Hakkı (1941) "Tuğra ve Peñçeler ile Ferman ve Buyurululara Dair", *TTK Belleten*, c. V, s.17-18, Nisan 1941, s. 108.
- GÜNDÜZ, Tufan (2010). *Son Kızılbaş Şah İsmail*. İstanbul: Yeditepe
- \_\_\_\_\_, (1999), *Nadir Osmanlı, Sikke, Nişan ve Madalyaları*, İstanbul: TR Ministry of Culture, General Directorate of Monuments and Museums.